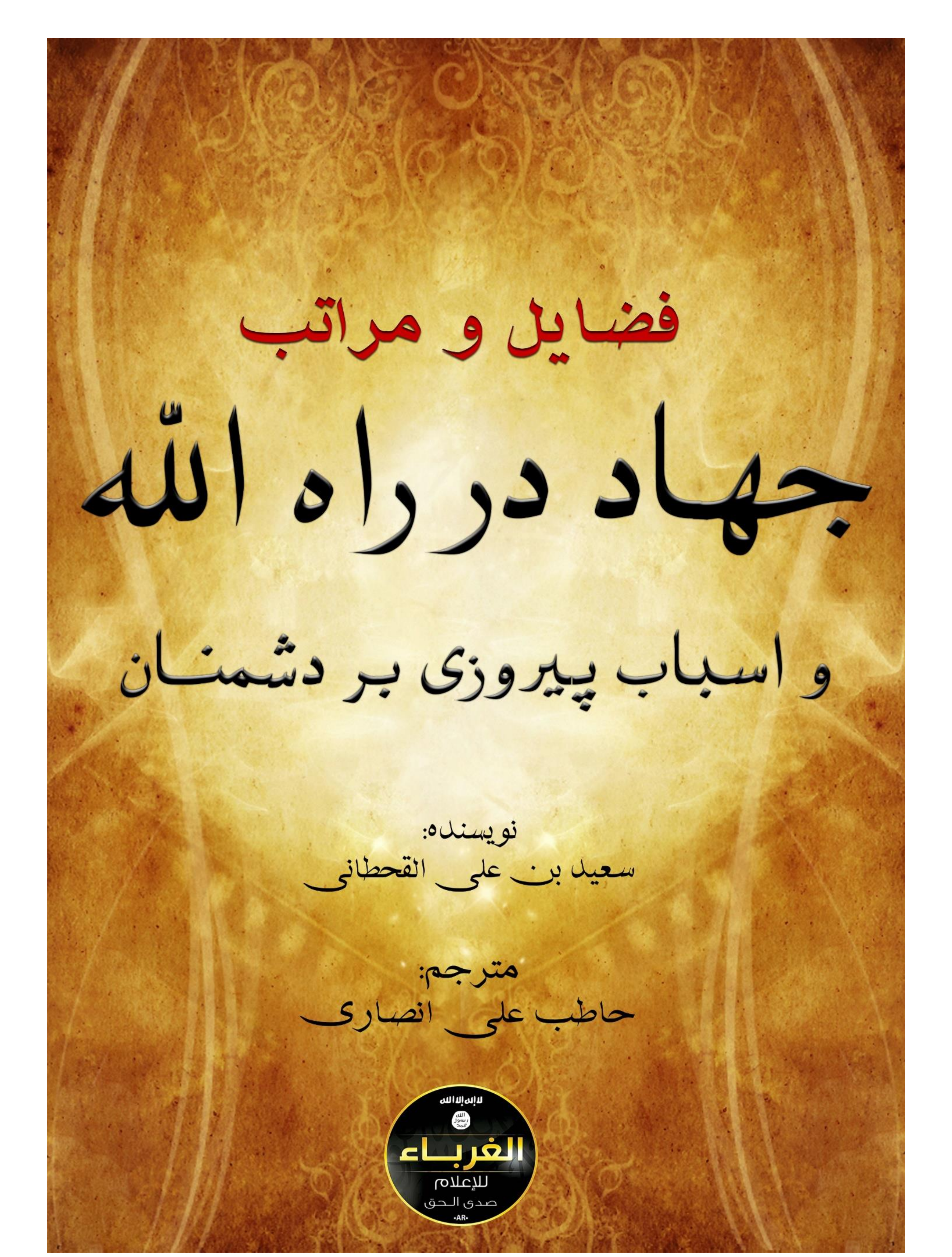


فضایل و مراتب
جهاد در راه الله
و اسباب پیروزی بر دشمنان
نویسنده:
سعید بن علی القحطانی
مترجم:
حاطب علی انصاری
لا إله إلا الله
الغرباء
للإعلام
صدى الحق
AR

فضایل و مراتب جهاد در راه اللّه و اسباب پیروزی بر دشمنان

نویسنده :

سعید بن علی القحطانی

مترجم :

حاطب علی انصاری



مرکز الغربا للاعلام

(فارسی)

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه ی مولف

إن الحمد للّه، نحمده، ونستعينه، ونستغفره، ونعوذ باللّه من شرور أنفسنا، ومن سيئات أعمالنا، من يهده اللّه فلا مضلَّ له، ومن يُضلل فلا هادی له، وأشهد أن لا إله إلا اللّه وحده لا شريك له، وأشهد أن محمدًا عبده ورسوله، بلَّغ الرسالة، وأدَّى الأمانة، ونصح الأمة، وجاهد فی اللّه حقَّ جهاده، فصلوات اللّه وسلامه عليه، وعلى آله وأصحابه، ومن تبعهم بإحسان إلى يوم يبعثون، وسلم تسليمًا كثيرًا.

أما بعد :

این (کتاب) کلمات مختصری است در بیان فضیلت جهاد در راه اللّه و اسباب پیروزی بر دشمنان ، که آن را به همه ی مجاهدانی که ، در مشرق و مغرب زمین و روی هر زمینی و زیر هر آسمانی ، که برای اعلای کلمةاللّه جهاد می کنند ، تقدیم می کنم و در آن ، مفهوم و حکم و مراتب جهاد و حکمت مشروعیتش و انواع جهاد و فضیلتش و هشدار و ترهیب کسی که جهاد را ترک کرده است و بیان شهدای بیرون از معرکه (ی جنگ) و اسباب و عوامل پیروزی بر دشمنان ، بیان شده است . از اللّه عزو جل می خواهم مجاهدان در راهش را در هر مکانی که هستند ، نصرت داده و آنان را با عوامل و اسباب نصرت ، در کار ، و اخلاص در قول و عمل و اشتیاق به آنچه که از ثواب زیاد و تجارت پر سود در نزد اللّه تعالی است و پیروزی در خوشبختی دنیا و آخرت ، موفق کند .

و از اللّه تعالی می خواهم که این کار را مبارک کرده و با آن مرا در زندگی ام و بعد از مرگم ، و به تمامی کسانی که به وسیله آن به طرفش منتهی می شوند، نفع رساند چرا که (اللّه تعالی) گرامی ترین کسی است که آرزوها و خواسته از او درخواست می شود و برای ما کافی است و بهترین وکیل ولا حول ولا قوة إلا باللّه العلی العظيم، وصلى اللّه وسلم وبارك على نبينا محمد وعلى آله وأصحابه، ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.

نویسنده

ریاض در 1411/2/6هـ

مقدمه ی مترجم

بسم الله ، الحمد لله و الصلاۀ و السلام علی رسول الله و علی آله و صحبه اجمعین اما بعد :

قبل از هر کلامی می خواهم به یاد آورم که الله تعالی منت بس بزرگی برایمان نهاده که چنین دین کامل و شامل و جامعی در اختیار ما نهاده تا قانونی باشد در زندگی و معیشت ما تا همانند بهائم بدون قانون و یا همانند انسانهای بهائم مانند با قوانین وضعی که زباله ی افکارشان است ، زندگی نکنیم ، پس شب و روز باید الله تعالی را به خاطر این نعمت عظیم ، شاکر باشیم تا باشد که ما نیز از بهره مندان رحمتش شویم و از زیانکاران روز قیامت نباشیم و بتوانیم با برنامه ی متعالی که الله تعالی برای ما قرار داده است زندگی کرده و از شر انسانهای شیطان صفت نجات پیداکرده و آنان را به زباله دان تاریخ بفرستیم .

این دین همان دینی است که در راه نشرش همگی انبیاء و اولیای رب العالمین با مشکلات کوه مانند و دشمنان شیطان صفت روبرو شده اند و اما ... با آن عزم راسخ و هدف شامخ و یقین مملوء از محبتشان به این راه ، با این سختی ها مقابله کرده اند . این دین همان دینی است که در راه پیروزیش ابراهیم علیه السلام در آتش افکنده می شود اما .... از بهر همین دین ، آتش ، گلستان می شود ،

پس ای برادر عزیزی که در دل محبت الله و رسولش داری بدان که اگر یقین به نصرت رب العالمین داشته باشی همگی این مشکلات برایت گلستانی خواهد شد که طی کردن این مسیر پر پیچ و خم برایت همانند رد شدن موسی علیه السلام و قومش از میان نیل راحت خواهد شد ، آنطور که برای اصحاب رسول الله صلی الله علیه و سلم ، راحت شد[1] .

پس بدان ای برادر ، این دین ، دینی است که امرش محکم و احکامش جامع که در آن اهل طاعت رب العالمین ، عزت پیدا می کنند و اهل عصیان ذلیل می شوند . و بدان که کسی که این دین را برای ما آورده ، همان کسی است الله ، اخلاق و آداب و رفتار و عقیده اش رابرای ما الگو قرار می دهد ... و چه الگوی زیبایی ؟ ... الگویی که برای بشریت نمونه ی کامل سعادت و خوشبختی و هدایت می باشد ... پس بدانیم اگر عقیده و طرز تفکرمان در مورد قانون رب

---

[1] . اشاره به واقعه ی رد شدن صحابه از روی رود درجنگ با ایران . مترجم

العالمین که همان دینش باشد ، همانند عقیده ی رسول الله صلی الله علیه و سلم نباشد در حقیقت گمراهیم و سرانجاممان ، عذابی دردناك ! پس بکوشیم در پی عقیده اش باشیم تا ندانسته مرتکب نافرمانی و کجروی در عقاید ، که بزرگترین آن توحید باشد ، نشویم چرا که حیات رسول الله صلی الله علیه و سلم سراسر درسی است برای امتش ، که امروزه این امت همیشه پیروز ، بخش عظیم این دروس نبوی را فراموش کرده و به این حال و روز افتاده است ... که نه مفهوم توحیدی باقی مانده و نه مفهوم عزتی . فانا لله و انا الیه راجعون .... ، پس بکوشیم دوباره به آن قله ی رفیع عزت راه یابیم و چنگ در چنگال خونخواران امت اندازیم و آنان رادر هم بکوبیم که ما یقین داریم ، کسی که این دین را نصرت دهد ، الله نیز او را نصرت می دهد ، پس ای امت همیشه پیروز ، آماده باش که صبح نزدیک است و رحمت رب العالمین برای نیکوکاران قریب .

پس سلاح در دست گیر و قرآن در سینه ، تکبیر گویان در قلب دشمن وارد شو و پرچم لااله الاالله را در آن بلند دست ها محکم نگه دار و فریاد بزن که ما همان امت محمدیم که برای برپایی قانون و حکومت دین الله قیام کرده ایم ، و هرگز نخواهیم نشست تا اینکه به این هدف والایمان برسیم .... ! .

پس بر آن شدیم دوباره مفهومی را در اذهانمان زنده کنیم که در فراقش قلبها گریانند و آزادها اسیر و آباده ها ، خرابه ، که این همان قله ی عزت است ،

همان قله بلند اسلام که به تعبیر رسول الله صلی الله علیه و سلم ، جهاد فی سبیل الله نام دارد که تنها راه نجات امت از این فتنه های کفرآمیز می باشد . پس بشارت به آن کسی که برای عزت دین الله ، جان خود را فداء می کند و خود را سرباز الله اعلام می کند . ...

«حاطب علی انصاری »

مبحث اول: مفهوم لغوی و شرعی جهاد :

لغوی : بخشش و فارغ کردن آنچه که در وسع و طاقت بوده ، که شامل قول و فعل است .

شرعا : صرف کردن تلاش از طرف مسلمانان در جنگ با کفار و متمردین [١]

مبحث دوم: حکم جهاد در راه الله تعالی :

جهاد در هنگامی که گروه کافی از مسلمانان مشغول انجام دادنش باشند ، فرض کفایه بوده و تکلیف از بقیه ساقط می شود. [(٢)]

الله تعالی می فرماید : {وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُواْ كَآفَّةً فَلَوْلاَ نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَآئِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُواْ فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُواْ قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُواْ إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ}

«مؤمنان را نسزد که همگی بیرون بروند (و برای فراگرفتن معارف اسلامی عازم مراکز علمی اسلامی بشوند) . باید که از هر قوم و قبیله ای ، عدّه ای بروند (و در تحصیل علوم دینی تلاش کنند) تا با تعلیمات اسلامی آشنا گردند ، و هنگامی که به سوی قوم و قبیله خود برگشتند (به تعلیم مردمان بپردازند و ارشادشان کنند و) آنان را (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسانند تا (خویشتن را از عقاب و عذاب خدا برحذر دارند و از بطالت و ضلالت) خودداری کنند.» [٣]

جهاد در سه حالت جهاد فرض عین[٤] می گردد[(٥)] :

1 ـ هنگامی که شخص مسلمان مکلف در جنگ حضور داشته و طرفین (جنگ) مقابل هم قرار گرفته باشند (که در این موقع جهاد برای شخصی که در میدان جنگ است ، فرض عین است) ، که الله تعالی (در این مورد) می فرماید : { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُواْ وَاذْكُرُواْ اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ}

---

[1] . همان باغیان ، باغیان به کسانی گفته می شود که علیه حکومت اسلامی شورش می کنند . مترجم

[(2)] انظر: المغنی لابن قدامة 6/13.

[3] . التوبة: 122

[4] . جهاد فرض عین به جهادی گفته می شود که برتك تك مسلمانان واجب است . مترجم

[(5)] انظر: المغنی لابن قدامة 8/13.

«ای مؤمنان ! هنگامی که با گروهی (از دشمنان در میدان کارزار) روبرو شدید ، پایداری نمائید (و فرار نکنید) و بسیار خدا را یاد کنید (و قدرت و عظمت و وفای به عهد او را پیش چشم دارید و به تضرّع و زاریش بخوانید) تا (در دنیا) پیروز و (در آخرت) رستگار شوید.» [١]

و می فرماید : { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُواْ زَحْفاً فَلاَ تُوَلُّوهُمُ الأَدْبَارَ ـ وَمَن يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلاَّ مُتَحَرِّفاً لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزاً إِلَى فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ}

«ای مؤمنان ! هنگامی که با انبوه کافران (در میدان نبرد) روبرو شدید ، بدانان پشت نکنید (و فرار ننمائید) ـ هرکس در آن هنگام بدانان پشت کند و فرار نماید (مگر برای تاکتیک جنگی یا پیوستن به دسته ای) گرفتار خشم خدا خواهد شد و جایگاه او دوزخ خواهد بود ، و دوزخ بدترین جایگاه است.» [٢]

و رسول الله صلی الله علیه و سلم نیز فرار (از جهاد را در) روز جنگ را از هفت گناه هلاک کننده دانسته است [(٣)].

2 ـ هنگامی که دشمن ، منطقه ای از بلاد مسلمانان را اشغال کرده باشد[٤] ، و براهل آن منطقه جنگ با آن دشمن و خارج کردنش سخت باشد در این هنگام برتمامی مسلمانان ، نصرت اهل آن منطقه واجب می شود و این واجب بودن از نزدیکی آن منطقه شروع می شود تا دور دست ها ،

که الله تعالی (دراین مورد) می فرماید : {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ قَاتِلُواْ الَّذِينَ يَلُونَكُم مِّنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُواْ فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُواْ أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ}

---

[1] . الأنفال: 45

[2] . الأنفال: 15، 16

[(3)] متفق علیه: البخاری، کتاب الوصایا، باب قول الله تعالی: {إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا} برقم 2766، ومسلم، کتاب الإیمان، باب بیان الکبائر وأکبرها، برقم 89، من حدیث أبی هریرة رضی الله عنه.

[4] . همانند اشغال فلسطین و چچن و داغستان و کشمیر و افغانستان و عراق و صومالی و ترکستان شرقی و فیلیپین و رشته کوه های جولان و لبنان و بوسنی و اسپانیا (اندلس) و ... . مترجم

«ای مؤمنان ! با کافرانی بجنگید که به شما نزدیکترند ، و باید که (در جنگ) از شما شدّت وحدّت (و جرأت و شهامت) ببینند . و بدانید که خداوند (یاری و لطفش) با پرهیزگاران است.» [۱]

3 ـ اگر امام (امیر) مسلمانان از آنان طلب خروج کرده و از آنان بخواهد که روانه ی جهاد شوند ، که (در این مورد) اللّه تعالی می فرماید : {انْفِرُواْ خِفَافًا وَثِقَالاً وَجَاهِدُواْ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ}

«(ای مؤمنان ! هرگاه منادی جهاد ، شما را به جهاد ندا درداد فوراً) به سوی جهاد حرکت کنید ، سبک بار یا سنگین بار ، (جوان یا پیر ، مجرّد یا متأهّل ، کم عائله یا پرعائله ، غنی یا فقیر ، فارغ البال یا گرفتار ، مسلّح به اسلحه سبك یا سنگین ، پیاده یا سواره و . . . در هر صورت و در هر حال ،) و با مال و جان در راه خدا جهاد و پیکار کنید. اگر دانا باشید می دانید که این به نفع خود شما است.» [۲]

و از ابن عباس رضی اللّه عنهما روایت است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم فرموده است:

"لا هجرةَ بعد الفتح ولكن جهادٌ ونِيَّةٌ، وإذا استُنفِرْتُم فانْفِروا"

«هجرتی بعد از فتح نیست، ولی جهاد و نیت جهاد به حال خود باقیست و هرگاه به جهاد دعوت شدید، آن را لبیک گفته، بسوی آن بشتابید.» [۳] [(٤)].

و اللّه تعالی می فرماید : {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمُ انفِرُواْ فِي سَبِيلِ اللّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الأَرْضِ أَرَضِيتُم بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الآخِرَةِ إِلاَّ قَلِيلٌ}

«ای مؤمنان ! چرا هنگامی که به شما گفته می شود : (برای جهاد) در راه خدا حرکت کنید ، سستی می کنید و دل به دنیا می دهید؟ آیا به زندگی این جهان به جای زندگی آن جهان

---

[1] . التوبة: 123

[2] . التوبة: 41

[3] . به این معنی که هجرت کردن از مکه به طرف مدینه واجب نیست زیرا مکه با فتح آنجا ، سرزمین اسلام شد و به خاطر انتفاء علت کفری وموجب هجرت که در مکه بود، دیگر هجرت از آنجا واجب نیست و همینطور از تمام سر زمین هایی که در آنجا کفر حاکم بود و از آن زائل شده و تبدیل به دار الاسلام شده است. خیر و اجر عظیمی که هجرت از مکه به طرف مدینه داشت قطع شد ولی به دست آوردن آن با جهاد و نیت جهاد ممکن است (یعنی اگر کسی بخواهد اجر هجرت را به دست بیاورد برای جهاد هجرت کند یا نیت جهاد داشته باشد) وزمانیکه از شما خواسته شد تا در راه اللّه خروج کنید پس خروج کنید یا اگر برای جهاد واجب طلب خروج شد پس باید خروج کرد . اتحاف العباد شهید عبداللّه عزام صفحه / 47 . مترجم

[(4)] متفق علیه: البخاری، کتاب الجهاد والسیر، باب فضل الجهاد والسیر، برقم 2783، واللفظ له، ومسلم، کتاب الحج، باب تحریم مکة وصیدها، برقم 1353.

خوشنودید ؟ (و فانی را بر باقی ترجیح می دهید ؟ آیا سزد که چنین کنید ؟) تمتّع و کالای این جهان در برابر تمتّع و کالای آن جهان ، چیز کمی بیش نیست.» [1]

جنس جهاد فرض عین: که یا با قلب ، یا با زبان ، یا با مال و یا با دست ، است . پس برمسلمان واجب است که بر جسب نیاز و قدرت به وسیله نوعی از این انواع ، جهاد کند . و دستور به جهاد ، به وسیله ی مال و جان ، در قرآن و سنت فراوان است .

از حدیث انس رضی اللّه عنه ثابت است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم فرموده اند :

"جاهدوا المشركين بألسنتكم، وأنفسكم، وأموالكم، وأيديكم"

«با زبان و جان و مال و دستانتان ، با مشرکان جهاد کنید.»[2]

مبحث سوم: مراتب جهاد در راه اللّه تعالی :

چهار مرتبه می باشد که عبارتند :

- ✓ **جهاد با نفس**
- ✓ **جهاد با شیطان**
- ✓ **جهاد با کفار و منافقین**
- ✓ **جهاد با اهل ظلم و بدعت و منکرات**

---

[1] . التوبة: 38

[2] أبو داود، كتاب الجهاد، باب كراهية ترك الغزو، برقم 2504، والنسائی، كتاب الجهاد، باب وجوب الجهاد، برقم 3098، وأحمد واللفظ له، 3/153، وصححه الألبانی فی صحیح سنن أبی داود 2/475.

اول : جهاد نفس که چهار مرتبه است :

1- با یادگیری علوم دینی و هدایت که هیچ رستگاری و خوشبختی در زندگی و آخرت معنایی ندارد الا با آن.

2- با عمل کردن به آنچه که یاد گرفته شده است و الا تنها یادگیری علم ، اگر ضرر نرساند ، نفعی هم ندارد.

3- با دعوت به طرف آن (علم یادگرفته شده و عمل شده) با بصیرت (و دور اندیشی) ، و یاد دادن به کسی آن را نمی داند و در غیراین صورت (با انجام ندادن این مرحله) ،از کسانی که ، کتمان آنچه را که الله تعالی از هدایت و روشنایی فرستاده است، می کنند، می باشد ، و علمش به او هیچ نفعی نرسانده و او را از آتش جهنم نمی رهاند .

4- با صبر بر سختی های راه دعوت و اذیت های مردم و ... که همگی آن را (خالصا) برای الله تعالی تحمل کند پس هرکس که بداند و عمل کند و صبر پیشه کند در ملکوت آسمانها ، از او به بزرگی یاد می شود .

دوم : جهاد با شیطان که دو مرتبه دارد :

1 ـ با دوری و دفع شک و شبهه ای که شیطان در ایمان (شخص) وارد می کند .

2 ـ با اجتناب از شهوتها و خواسته های فاسد (نفسانی) که شیطان برای شخص وسوسه می کند ، از این رو جهاد (مرتبه ی) اول ، بعد از یقین و دومی نیز بعد از صبر ، صورت می گیرد. الله تعالی (در این مورد) می فرماید :

{وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ}

«و از میان بنی اسرائیل پیشوایانی را پدیدار کردیم که به فرمان ما (و برابر قوانین ما ، مردمان را) راهنمائی می نمودند ، بدان گاه که بنی اسرائیل (در راه خدا بر تحمّل سختیها) شکیبائی ورزیدند و به آیات ما ایمان کامل پیدا کردند.» [1]

[1] . السجدة: 24

و شیطان خبیث ترین (و پر مکر و حیله ترین) دشمن است. الله تعالی می فرماید : {إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ}

«بی گمان اهریمن دشمن شما است ، پس شما هم او را دشمن بدانید (و از مکر و کید او یک لحظه غافل نمانید و از وسوسه های او پیروی نکنید) . او پیروان خود را فرا می خواند تا از ساکنان آتش سوزان جهنّم شوند.» [1]

سوم : جهاد کفار و منافقین که چهار مرتبه دارد :

1ـ با قلب

2ـ با زبان

3ـ با مال

4ـ با دست

جهاد کفار با دست خاص تر است و جهاد منافقین نیز با زبان

چهارم : جهاد با اهل ظلم و دشمنی و بدعت و منکرات ، که سه مرتبه دارد :

1ـ اگر مجاهد توانش را داشته باشد ، با دست

2ـ اگر نتوانست ، با زبان

3ـ باز هم اگر نتوانست ، با قلب

از ابی سعید الخدری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند:
"من رأى منكم منكرًا فليغيره بيده، فإن لم يستطع فبلسانه فإن لم يستطع فبقلبه وذلك أضعف الإيمان"

«کسی از شما که کار زشتی دید ، باید آن را با دست خود تغییر دهد ،اگر نتوانست با زبانت خود این کار را انجام دهد . (در نهایت) اگر باز هم نتوانست ، با قلب خود (آن را بد بداند و این بد دانستن عمل زشت با قلب) ضعیف ترین (درجه ی) ایمان است.» [۲]

---

[1] . فاطر: 6

[۲] مسلم، كتاب الإيمان، باب بيان كون النهي عن المنكر من الإيمان وأن الإيمان يزيد وينقص، وأن الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر واجبان، برقم 49.

اینها سیزده مرتبه از جهاد هستند ، که کامل ترین مردم نزد الله تعالی کسی است که همه ی مراتب آن را کامل کرده باشد (و انجام داده باشد) ، مردم به خاطر متفاوت بودن در (انجام) مراتب جهاد ، در منزلتشان نزد الله ، متفاوت هستند؛ و کامل ترین مردم و گرامی ترینشان که محمد صلی الله علیه و سلم می باشد ، تمامی مراتب جهاد را کامل کرد و حق آن را (آنگونه که شایسته است) اداء کرد [۱]، پس درود و سلام الله ، شب و روز بر او باد .

جهاد با دشمنان بیرونی ، در مقایسه با جهاد نفس یک فرع محسوب می شود ، به دلیل حدیث فضالهٔ بن عبیدالله رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید :

"ألا أخبركم بالمؤمن؟ من أمنه الناس على أموالهم وأنفسهم، والمسلم من سلم الناس من لسانه ويده، والمجاهد من جاهد نفسه في طاعة الله، والمهاجر من هجر الخطايا والذنوب"

«آیا شما از مومن (واقعی) خبر بدهم ؟ (مومن واقعی) کسی است که مردم او را نسبت به مال و جانشان امانتدار بدانند ، و مسلمان (واقعی) کسی است که مردم از دست و زبان او در امان باشند ، و مجاهد (واقعی) کسی است که در طاعت الله با نفسش جهاد کند ، و مهاجر (واقعی) کسی است که از اشتباهات و گناهان ، دوری کرده باشد.» [۲]

پس جهاد با نفس بر جهاد دشمنان الله در خارج ، مقدم بوده و یک اصل محسوب می شود، زیرا مادامیکه شخص با نفس خود به مبارزه نپردازد و آن را به آنچه که الله دستور داده مشغول نکند و از آنچه که الله نهی کرده است بر نگرداند ، چگونه می تواند با دشمن بیرونی مبارزه کرده و بر او پیروز شود درحالیکه دشمن داخلش بر او پیروز و مسلط است؟ ، ممکن نیست (شخص) برای جهاد با دشمن بیرون ، خارج شود مگر اینکه با نفسش در مورد خروج ، به جدل بپردازد ، پس این دو [۳] دشمن انسان می باشند که در میان این دو ، دشمن سومی نیز وجود دارد که مجاهد را از مبارزه و جهاد علیه دشمن می ترساند و نا امید می کند، که امکان ندارد شخص مجاهد با آن دو دشمن (بیرونی و نفس) جهاد بکند الا اینکه با این دشمن نیز

---

[1] انظر زاد المعاد لابن القيم 3/10 و12.

[2] أحمد فى المسند، 6/21، والحاكم وصححه ووافقه الذهبى، 1/11، قال الألبانى فى إسناد الإمام أحمد: "وهذا إسناد صحيح" انظر: سلسلهٔ الأحاديث الصحيحهٔ، 2/81، برقم 549.

[3] النفس، والعدو في خارجها.

باید جهاد کند ، و نا امید کردن ها و ترساندن های این دشمن سوم از سختی های (راه) مبارزه و از دست دادن فرصت های لذت بخش (نفسانی) و شهوتها همیشه ادامه دارد تمام نمی شود و جهاد (با آن دو دشمن) نیز امکان ندارد الا با جهاد دشمن سومی که شیطان می باشد ، از این رو این جهاد در مقایسه با دو جهاد قبلی ، اصل می باشد . [(۱)]

مبحث چهارم : حکمت مشروعیت جهاد در راه الله تعالی :

الله تعالی هدف و منظور جهاد را بیان کرده است که می فرماید : {وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لاَ تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّه فَإِنِ انتَهَوْاْ فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ}

«و با آنان پیکار کنید تا فتنه ای باقی نماند (و نیروئی نداشته باشند که با آن بتوانند شما را از دینتان برگردانند) و دین خالصانه از آن الله گردد (و مؤمنان جز از الله نترسند و آزادانه به دستور آئین خویش زندگی کنند). پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند (و اسلام را پذیرفتند، دست از آنان بدارید، چرا که) الله آنچه را انجام می دهند می بیند (و کیفرشان می دهد).» [۲]

ومیفرماید : {وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لاَ تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّه فَإِنِ انتَهَواْ فَلاَ عُدْوَانَ إِلاَّ عَلَى الظَّالِمِينَ}

«و با آنان پیکار کنید تا فتنه ای باقی نماند (و نیروئی نداشته باشند که با آن بتوانند شما را از دینتان برگردانند) و دین (خالصانه) از آن خدا گردد (و مؤمنان جز از خدا نترسند و آزادانه به دستور آئین خویش زندگی کنند) . پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند (و اسلام را پذیرفتند ، دست از آنان بدارید . (زیرا حمله بردن و) تجاوز کردن جز بر ستمکاران (به خویشتن به سبب کفر و شرک) ، روا نیست.» [۳]

بنا بر آیاتی که ذکر شد ، هدف از جهاد عبارت است از :

اول : بلند کردن و اعلاء کلمهٔ الله :

[(۱)] انظر زاد المعاد 3/6.

[2] . الأنفال: 39

[3] . البقرة: 193

به خاطر حدیث ابو موسی اشعری رضی اللّه عنه که می فرماید : جاء رجل إلى النبی صلى اللّه علیه وسلم فقال: یا رسول اللّه، الرجل یقاتل للمغنم، والرجل یقاتل لیُذکر، والرجل یقاتل لیُرى مکانه، فمن فی سبیل اللّه؟ قال: "من قاتل لتکون کلمةُ اللّه هی العلیا فهو فی سبیل اللّه"
مردی خدمت پیامبر صلی اللّه علیه وسلم آمده و گفت: یا رسول اللّه صلی اللّه علیه وسلم مردی برای غنیمت می جنگد و مردی برای آوازه و شهرت و مردی برای آن می جنگد که منزلش از نظر جنگی دیده شود.پس کدام در راه اللّه است ؟
رسول اللّه صلی اللّه علیه وسلم فرمود: «آنکه بجنگد تا کلمهٔ اللّه (کلمهء توحید) برتر شود، پس آن در راه خدا است.» [۱]

دوم : نصرت و یاری مظلومان :

که اللّه تعالی می فرماید : {وَمَا لَكُمْ لاَ تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاء وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَـذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا}

«چرا باید در راه خدا و (نجات) مردان و زنان و کودکان درمانده و بیچاره ای نجنگید که (فریاد برمی آورند و) می گویند : پروردگارا ! ما را از این شهر و دیاری که ساکنان آن ستمکارند (و بر ما بیچارگان ستم روا می دارند) خارج ساز ، و از جانب خود سرپرست و حمایتگری برای ما پدید آور ، و از سوی خود یاوری برایمان قرار بده (تا ما را یاری کند و از دست ظالمان برهاند).» [۲]

سوم: پاسخ به دشمنی (دشمن) و قصاص آنها و حفظ اسلام :

اللّه تعالی می فرماید : {الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُواْ عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُواْ اللّهَ وَاعْلَمُواْ أَنَّ اللّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ}

ماه حرام در برابر ماه حرام است (و اگر دشمنان احترام آن را نگاه نداشتند، و در آن با شما جنگ کردند، شما حق دفاع و مقابله با آنان را دارید و باکی نیست) و (حرمت شکنی های) مقدّسات دارای قصاص است ، (و تجاوزکاریهای نادرست ، پاداش به مثل دارد . به طور کلّی) هر که راه

---

[۱] متفق علیه: البخاری، کتاب الجهاد، باب من قاتل لتکون کلمةُ اللّه هی العلیا، برقم 2810، ومسلم، کتاب الإمارة، باب من قاتل لتکون کلمةُ اللّه هی العلیا فهو فی سبیل اللّه برقم 1904.

[۲] . النساء: 75

تعدّی و تجاوز بر شما را در پیش گرفت ، بر او همانند آن ، تعدّی و تجاوز کنید (چه آغازکردن تعدّی و تجاوز ممنوع است ، لیکن در برابر آن دفاع از خویشتن و مبارزه برای اخذ قصاص آزاد است) ، و از خشم خدا بپرهیزید و بدانید که خدا با پرهیزگاران است.»[1]

و نیز می فرماید : {الَّذِينَ أُخْرِجُوا من دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إلا أَن يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّهُدِّمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ}

«همان کسانی که به ناحق از خانه و کاشانه خود اخراج شده اند (و از مکّه وادار به هجرت گشته اند) و تنها گناهشان این بوده است که می گفته اند پروردگار ما اللّه است ! اصلاً اگر اللّه بعضی از مردم را به وسیله بعضی دفع نکند (و با دست مصلحان از مفسدان جلوگیری ننماید ، باطل همه جاگیر می گردد و صدای حق را در گلو خفه می کند ، و آن وقت) دیرهای (راهبان و تارکان دنیا) و کلیساهای (مسیحیان) و کنشتهای (یهودیان) ، و مسجدهای (مسلمانان) که در آنها اللّه بسیار یاد می شود ، تخریب و ویران می گردد. (امّا اللّه بندگان مصلح و مراکز پرستش خود را فراموش نمی کند) و به طور مسلم خدا یاری می دهد کسانی را که (با دفاع ازدین) او را یاری دهند . اللّه نیرومند و چیره است (و با قدرت نامحدودی که دارد یاران خود را پیروز می گرداند ، و چیزی نمی تواند او را درمانده کند و از تحقّق وعده هایش جلوگیری نماید).»[2]، [3]

مبحث پنجم : انواع جهاد با دشمن (بیرونی) : که عبارتند از :

1ـ جهاد با کفار و منافقان و مرتدان . [4]

2ـ جهاد با یاغیان تجاوزکاری که می خواهند علیه حکومت اسلامی شورش کنند که برای این کارشان تاویل و قدرت و مناعت [5] دارند .

---

1. البقرة: 194

2. الحج: 40

3. جهاد و مبارزه در اسلام هدف مشخصی دارد و آن هم در راه اللّه تعالی برای نصرت دینش و اهل دینش و برپایی نظام عادل حکومت اسلامی ، نه برای تعصب و تیره و ملت و نه برای دنیا و مال و ثروت بلکه فقط برای دین اللّه ، و کسی که در این راه بجنگد مجاهد است و اگر کشته شود شهید است ، نه تروریست و الفاظ موهن دیگر . مترجم

(4) انظر التفصيل فی ذلك زاد المعاد 3/100 و6-11 والمغنی لابن قدامة 12/264.

(5) انظر المغنی 12/237.

و اصل بر این است که با این گروه آنطوریکه اللّه تعالی فرموده است رفتار شود .

اللّه تعالی می فرماید : {وَإِن طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِن فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ - إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ}

«هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به جنگ پرداختند ، در میان آنان صلح برقرار سازید. اگر یکی از آنان در حق دیگری ستم کند و تعدی ورزد (و صلح را پذیرا نشود) ، با آن دسته ای که ستم می کند و تعدی می ورزد بجنگید تا زمانی که به سوی اطاعت از فرمان خدا برمی گردد و حکم او را پذیرا می شود . هرگاه بازگشت و فرمان خدا را پذیرا شد ، در میان ایشان دادگرانه صلح برقرار سازید و (در اجرای مواد و انجام شرائط آن) عدالت بکار برید. چرا که خدا عادلان را دوست دارد - فقط مؤمنان برادران همدیگرند ، پس میان برادران خود صلح و صفا برقرار کنید، و از خدا ترس و پروا داشته باشید ، تا به شما رحم شود.»[1]

و از عرفجه رضی اللّه عنه روایت است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم فرموده است : "إنه ستكون هنات وهنات[2] فمن أراد أن يفرق أمر هذه الأمة وهي جميع فاضربوه بالسيف كائنًا من كان"

«براستی بعد از من در میان شما شر و فتنه ها و فسادها و تباهیها بوجود می آید، پس هرکس خواست وحدت مسلمین را بهم بزنند وجمع آنان را پراکنده سازد او را با شمشیرگردن بزنید هرکس که می خواهد باشد.»

و در لفظ دیگری می فرماید : "من أتاكم وأمركم جميع على رجل واحد يريد أن يشق عصاكم أو يفرق جماعتكم فاقتلوه"

«در آن حال که زمام کارتان به صورت یکپارچه به دست یکی از شما باشد، هر کس نزد شما بیاید و قصد ایجاد اختلاف یا تفرقه افکنی در میان جماعت یکپارچه ی شما را داشته باشد، او را بکشید.» [3]

---

[1] . الحجرات: 9، 10

[2] الهنات: فتنه ها و فساد های پدیدار گشته و امور تاز ایجاد شده .

[3] مسلم، كتاب الإمارة، باب حكم من فرق أمر المسلمين وهو مجتمع، برقم 1852.

3 ـ دفاع از دین و خانواده و جان و مال که جهاد با راهزنان نیز جزو این جهاد است [۱].

از سعید بن زید رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند :

"من قتل دون ماله فهو شهيد، ومن قتل دون أهله فهو شهيد، ومن قتل دون دينه فهو شهيد، ومن قتل دون دمه فهو شهيد"

«هر کس در دفاع از مالش کشته شود شهید است، و هر کس در دفاع از خانواده اش کشته شود شهید است ، و هر کس در دفاع از دینش کشته شود شهید است، هر کس در دفاع از خونش کشته شود شهید است.» [۲]

و از عبدالله بن عمر روایت شده است که او به خالد بن العاص گفت : آیا نمی دانی که رسول الله صلی الله علیه و سلم گفته است : "من قتل دون ماله فهو شهيد"

«هر کس در دفاع از مالش کشته شود شهید است.»[۳]

و از مخارق رضی الله عنه روایت است که فرمود : جاء رجل إلى النبى صلى الله عليه وسلم فقال الرجل يأتينى يريد مالى؟ قال: "ذكِّرهُ بالله" قال فإن لم يذكر؟ قال: "فاستعن عليه من حولك من المسلمين" قال: فإن لم يكن حولى أحد من المسلمين؟ قال: "فاستعن عليه السلطان" قال: فإن نأى السلطان عنى [وعجل عليَّ] قال: "قاتل دون مالك حتى تكون من شهداء الآخرة أو تمنع مالك"

مردی به خدمت رسول الله صلی الله علیه و سلم آمد و گفت : اگر مردی آمد و خواست مالم را از من بگیرد (چه کنم) ؟

فرمود : «الله را به یاد او بیاور.»

گفت : اگر یادآور نشد چی ؟

فرمود : «از مسلمانانی که اطرافت هستند علیه آن شخص درخواست کمک کن.»

گفت : اگر در اطرافم کسی نبود چی ؟

---

[1] انظر: المغنى لابن قدامة 474/12، ومجموع فتاوى شيخ الإسلام ابن تيمية 241/34.

[2] أبو داود، كتاب السـنة، باب فى قتال اللصـوص، برقم 4772، والنسـائى، كتاب المحاربة، باب من قاتل دون أهله برقم 4099، 4100، واللفظ له، وأخرجه الترمذى مختصراً، كتاب الديات، باب ما جاء فيمن قتل دون ماله فهو شهيد، برقم 1418، وابن ماجه مختصراً، كتاب الحدود، باب من قتل دون ماله فهو شـهيد، برقم 2580، وأحمد بلفظ [ترتيب] أحمد شـاكر، 118/3 برقم 1651 و1653، وقال الترمذى: حسـن صـحيح، وصـحح إسـناده أحمد شـاكر فى الموضـع السابق، وصححه الألبانى فى صحيح النسائى، 858/3.

[3] مسلم،كتاب الإيمان، باب الدليل على أن من قصد أخذ مال غيره بغير حق كان القاصد مهدر الدم فى حقه برقم 141.

فرمود : «از حاکم و سلطان درخواست کمک کن.»

گفت : اگر سلطان از من رو گرداند و به من اهمیت ندهد چی ؟

فرمود : «در این موقع برای دفاع از مالت با آن شخص جنگ کن تا اینکه از شهدای آخرت شوی یا اینکه مالت را از او پس بگیری.»[۱]

و از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که فرمود : جاء رجل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال: يا رسول الله، أرأيت إن جاء رجل يريد أخذ مالي؟ قال: "فلا تعطه مالك" قال: أرأيت إن قاتلني؟ قال: "قاتله" قال: أرأيت إن قتلني؟ قال: "فأنت شهيد" قال: أرأيت إن قتلته؟ قال: "هو في النار"

مردی خدمت رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده و گفت: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم اگر مردی آمد و خواست مالم را بگیرد؟

فرمود: «(مالت را) به او نده!»

گفت: اگر با من جنگید چه؟

فرمود: «با او بجنگ»

گفت: اگر مرا کشت؟

فرمود: «تو شهیدی.»

گفت: اگر من او را کشتم؟

فرمود: «او در دوزخ است.»[۲]

مبحث ششم : فضیلت جهاد در راه الله تعالی :

مطالب فراوان و پاداش های گوناگونی در فضیلت جهاد بیان شده است ما نیز به عنوان مثال (نه اینکه فضیلت جهاد فقط مطالب ذکر شده باشد !) ، بیان می کنیم :

---

[۱] النســائی، کتاب المحاربة، باب ما یفعل من تعرض لماله، برقم 4086، وأحمد فی المســند، وما بین المعکوفین له، 5/294، 295، وصــححه الألبانی فی صحیح سنن النسائی 3/856.

[2] مسلم، كتاب الإيمان، باب الدليل على أن من قصد أخذ مال غيره بغير حق كان القاصد مهدر الدم في حقه، وإن قتل كان في النار، وأن من قتل فهو شهيد، برقم 140.

1 ـ جهاد در راه الله تعالی ، تجارتی پر سود ! :

الله تعالی می فرماید : {إِنَّ اللّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُم بِأَنَّ لَهُمُ الجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَاةِ وَالإِنجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللّهِ فَاسْتَبْشِرُواْ بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُم بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ}

«بیگمان خداوند (کالای) جان و مال مؤمنان را به (بهای) بهشت خریداری می کند . (آنان باید) در راه خدا بجنگند و بکشند و کشته شوند . این وعده ای است که خداوند آن را در (کتابهای آسمانی) تورات و انجیل و قرآن (به عنوان سند معتبری ثبت کرده است) و وعده راستین آن را داده است ، و چه کسی از خدا به عهد خود وفاکننده تر است ؟ پس به معامله ای که کرده اید شاد باشید ، و این پیروزی بزرگ و رستگاری سترگی است.»[1]

رب العالمین صفات زیبا و اعمال بارزی را برای مجاهدان قهرمان بیان کرده است و این بشارت را برای آنان داده است :

{التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ[2] الرَّاكِعُونَ السَّاجِدونَ الآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ}

«(از جمله اوصاف این مؤمنان و سائر مسلمانان این است که) آنان توبه کننده (از معاصی) ، عبادت کننده ، سپاسگزار (از پروردگار) ، گردنده (در زمین و اندیشمند در آفاق و انفس) ، نمازگزار ، دستوردهنده به کار نیك ، بازدارنده از کار بد ، و حافظ قوانین خدا می باشند . (ای پیغمبر !) مژده بده به مؤمنان (به چیزهائی که خارج از توصیف و تعریف و به دور از فهم مردمان است).»[3]

و نیز در مورد تجارت پر سود مجاهدان می فرماید :

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنجِيكُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ، تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ، يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ

---

[1] . التوبة: 111

[2] . السائحون همان روزه داران تفسير شده است : ابن كثير 393/2 ولها معان أخرى، انظر: تفسير السعدي 304/3.

[3] . **توبۀ:** 112

وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ، وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ}

«ای مؤمنان ! آیا شما را به بازرگانی و معامله ای رهنمود سازم که شما را از عذاب بسیار دردناک دوزخ رها سازد ؟ ـ (و آن این است که) به خدا و پیغمبرش ایمان می آورید ، و در راه خدا با مال و جان تلاش و جهاد می کنید . اگر بدانید این برای شما (از هر چیز دیگری) بهتر است ـ (اگر این تجارت را انجام دهید ، خدا) گناهانتان را می بخشاید ، و شما را به باغهای بهشتی داخل می گرداند که از زیر (کاخها و درختان) آن جویبارها روان است ، و شما را در منازل و خانه های خوبی جای می دهد که در باغهای بهشت جاویدان ماندگار ، واقع شده اند . پیروزی و رستگاری بزرگ همین است ـ (گذشته از این نعمتها) نعمت دیگری دارید که پیروزی خدادادی و فتح نزدیکی است و به مؤمنان مژده بده.» [1]

و نیز می فرماید :

{فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالآخِرَةِ وَمَن يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَو يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا}

«باید در راه خدا کسانی جنگ کنند که زندگی دنیا را به آخرت می فروشند (و فانی را با باقی معاوضه می کنند) . و هر کس در راه خدا بجنگد و کشته شود و یا این که پیروز گردد ، (در هر دو صورت در آخرت) پاداش بزرگی بدو می دهیم.» [2]

2 ـ فضیلت مرزداری در راه الله تعالی:

مرزهایی که امکان دارد دشمن از آنها به کشور اسلامی نفوذ کند باید به شدت نگهبانی شود تا دشمن از آن (سوء استفاده نکرده) و از آن عبور نکند . برای این است که الله سبحانه و تعالی برای مجاهدان مرزدار پاداش عظیمی آماده کره است .

---

[1] . الصف: 10-13

[2] . النساء: 74

از سلمان رضی الله عنه روایت است که گفت : از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم که فرمود : "رباط یوم ولیلۀ خیر من صیام شهر وقیامه وإن مات جری علیه عمله الذی کان یعمله وأُجری علیه رزقه، وأمن الفتان[۱] "

«از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: پاسداری و استقامت یک شبانه روز از روزه و نماز یکماه بهتر است و اگر در آن حال بمیرد (ثواب) عملی را که آن را انجام می داده دریافته و روزیش جاری گشته و از عذاب قبر و فتنهء آن در امان می ماند.» [۲]

3ـ فضیلت حراست و نگهبانی در راه الله تعالی :

از ابی ریحانۀ رضی الله عنه روایت است که گفت : از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم که می فرمود : "حرمت النار علی عین دمعت أو بکت من خشیۀ الله وحرمت النار علی عین سهرت فی سبیل الله"

«آتش جهنم حرام است برای چشمی که از ترس الله می گرید و چشمی که در راه الله بی خوابی کشیده (و نگهبانی داده است).»[۳]

و از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت : از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم که می فرمود : "عینان لا تمسهما النار: عین بکت من خشیۀ الله، وعین باتت تحرس فی سبیل الله"

«دو چشم، آتش جهنم را احساس نمی کنند: چشمی که از ترس خدا گریه کرده باشد و چشمی که در راه خدا نگهبانی داده باشد.» [٤]

4ـ فضیلت به راه افتادن در شب و روز ، در راه الله تعالی:

از سهل بن سعد رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند : "رِباطٌ یَوْمٍ فی سَبیلِ اللَّهِ خَیْرٌ مِنَ الدُّنْیا وما عَلَیْها، ومَوْضِعُ سَوْطِ أَحَدِکُمْ مِنَ الجنَّةِ خَیْرٌ من

[۱] الفُتَّان: جمع فاتن، به معنی اینکه از هر صاحب فتنه ای در امان می ماند، ورواه الطبرانی بفتح الفاء، یعنی: فتَّان القبر، ورواه أبو داد مفسرًا بالإضافة إلی القبر "وأمن من فتانی القبر" شرح النووی علی صحیح مسلم، 65/13، والمفهم لما أشکل من تلخیص کتاب مسلم، 756/3.

[۲] مسلم، کتاب الإمارة، باب فضل الرباط فی سبیل الله عز وجل، برقم 1913.

[۳] أحمد 134/4، بلفظه، والنسائی، کتاب الجهاد، باب ثواب عین سهرت فی سبیل الله، برقم 3119، ولفظه: "حرمت علی النار عین سهرت فی سبیل الله"، وصححه الألبانی فی صحیح سنن النسائی 653/2.

[٤] الترمذی، کتاب الجهاد، باب ما جاء فی فضل الحرس فی سبیل الله، برقم 1639، وحسنه، وصححه الألبانی فی صحیح سنن الترمذی 127/2.

الدُّنْيا وما عَلَيْها، والرَّوْحةُ يرُوحُها العبْدُ فی سَبيلِ اللَّهِ تَعالی ، أوِ الغَدْوَة، خَيْرٌ مِن الدُّنْيَا وَما عَلَيْهَا"

«یک روز در راه خدا پایداری و ایستادگی کردن در برابر دشمن دین از دنیا و آنچه در آن است، بهتر می باشد و جای تازیانهء یکی از شما در بهشت از دنیا و آنچه در آن است، بهتر می باشد، و اول شب یا اول صبحی که بنده در راه خدا می رود، از دنیا و آنچه در آن است، بهتر می باشد.» [1]

و از انس رضی اللّه عنه نیز روایت است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم فرمود :

" لَغَدْوَةٌ فی سبِيلِ اللَّه، أوْ رَوْحَة، خَيْرٌ مِن الدُّنْيَا وَمَا فيها "

«همانا یکبار رفتن در اول صبح (برای جهاد) یا اول شب ، از دنیا و آنچه در آن است، بهتر می باشد.» [2]، [3]

5ـ کسی که قدمهایش در راه اللّه گرد و غبار شود !!! :

از عبدالرحمن بن جبیر رضی اللّه عنه روایت است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم فرمودند : " ما اغْبَرَّتْ قدَما عَبْدٍ فی سبيلِ اللَّه فتَمسَّه النَّارُ "

«غبار آلود نشده قدمهای بنده ای در راه خدا که آن را آتش لمس کند(یعنی قدمی که در راه اللّه تعالی غبار آلود شود آتش جهنم به او نمی رسد).» [4]

و هم چنین از ابوهریره رضی اللّه عنه روایت است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم فرمودند : " لا يلجُ النَّارَ رَجُلٌ بَكَى مِنْ خَشْيةِ اللَّهِ حتَّى يعُودَ اللَّبَن فی الضَّرع، وَلاَ يَجْتَمِعُ عَلَى عَبْدٍ غُبَارٌ فی سبيل اللَّهِ ودخَان جهنَّم "

«داخل نمی گردد به جهنم مردی که از ترس خدا بگرید، تا اینکه شیر دوباره به پستان بازگردد و جمع نشود بر بنده غبار در راه خدا و دود جهنم.» [5]

---

[1] متفق علیه: البخاری، کتاب الجهاد، باب الغدوة والروحة فی سبیل اللّه، برقم 2794، ولفظه من الطرف رقم 2892، وأخرجه مسلم، کتاب الإمارة، باب فضل الغدوة والروحة فی سبیل اللّه برقم 1881.

[2] متفق علیه: البخاری، کتاب الجهاد، باب الغدوة والروحة فی سبیل اللّه، برقم 2792، ومسلم، کتاب الإمارة، باب فضل الغدوة والروحة فی سبیل اللّه برقم 1880.

[3] الغدوة: مأوذ من الغدُوِّ: وهو ســير أول النهار، والروحة، رواح العشـــی، وهو من زوال الشـــمس إلی اللیل، النهایة فی غریب الحدیث، باب الغین مع الدال 3/346، وباب الراء مع الواو 2/273، وتفسیر غریب ما فی الصحیحین للحمیدی ص346.

[4] البخاری، کتاب الجهاد، باب من اغبرت قدماه فی سبیل اللّه، برقم 2811.

[5] الترمذی، کتاب الجهاد، باب ما جاء فی فضل الغبار فی سبیل اللّه، برقم 1633، وقال: "حسن صحیح" وصححه الألبانی فی صحیح سنن النسائی 2/126.

6ـ بهشت ، زیر سایه ی شمشیرها :

از عبداللّه بن ابی اوفی رضی اللّه عنهما روایت است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم فرمودند : " يَا أَيُّهَا النَّاسُ لا تَتَمنَّوا لِقَاءَ الْعدُو، وَاسْأَلُوا اللَّه العَافِيَةَ ، فَإِذَا لقيتُموهم فاصْبرُوا، وَاعْلَمُوا أَنَّ الْجَنَّةُ تَحْتَ ظِلاَلِ السُّيُوفِ "

«ای مردم روبرو شدن با دشمن را آرزو مکنید و از خداوند سلامتی بخواهید و هرگاه با دشمن روبرو شدید صبر کنید. و بدانید که بهشت در زیر سایه های شمشیرها است.» [۱]

7ـ هیچ عملی برابر جهاد نیست ! :

از ابوهریره رضی اللّه عنه روایت است که گفت : جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّه - صلى اللّه عليه وسلم - فَقَالَ: دُلَّنِى عَلَى عَمَلٍ يَعْدِلُ الْجِهَادَ قَالَ: «لا أَجِدُهُ». قَالَ: «هَلْ تَسْتَطِيعُ إِذَا خَرَجَ الْمُجَاهِدُ آن تَدْخُلَ مَسْجِدَكَ فَتَقُومَ وَلا تَفْتُرَ وَتَصُومَ وَلا تُفْطِرَ»؟ قَالَ: وَمَنْ يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ؟

مردی نزد رسول اللّه - صلی اللّه علیه وسلم - آمد و گفت: عملی به من معرفی کن که با جهاد، برابر باشد. رسول خدا - صلی اللّه علیه وسلم - فرمود: «چنین عملی، سراغ ندارم». و افزود: «آیا تو می توانی از زمانی که مجاهد (برای جهاد) بیرون می رود، به مسجدت بروی و بدون احساس خستگی به نماز بایستی و بدون افطار، روزه بگیری (تا زمانی که مجاهد برگردد)»؟ آن مرد، گفت: چه کسی توانایی چنین کاری را دارد؟ (یعنی اینکه حتی این عمل نیز با جهاد برابر نیست) .[۲]

8 ـ درجات مجاهدان در راه اللّه تعالی :

از ابوهریره رضی اللّه عنه روایت است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم فرمودند :

" إِنَّ فِى الْجَنَّةُ مِائَةَ دَرَجَةُ أَعَدَّهَا اللَّهُ لِلْمُجَاهِدِينَ فِى سَبِيلِه كُلُّ دَرَجَتَيْنِ مَا بَيْنَهُمَا كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ فَإِذَا سَأَلْتُمُ اللَّهَ فَسَلُوهُ الْفِرْدَوْسَ فَإِنَّهُ أَوْسَطُ الْجَنَّةِ وَأَعْلَى الْجَنَّةِ وَفَوْقَهُ عَرْشُ الرَّحْمَنِ وَمِنْهُ تَفَجَّرُ أَنْهَارُ الجَنَّةُ"

[1] متفق عليه: البخاری، كتاب الجهاد، باب الجنة تحت بارقة السيوف، برقم 2818، ومسلم، كتاب الجهاد والسير، باب كراهية تمنى لقاء العدو، والأمر بالصبر عند اللقاء، برقم 1742.

[2] متفق عليه: البخاری، كتاب الجهاد والسير، باب فضل الجهاد والسير، برقم 2785، ومسلم، كتاب الإمارة، باب فضل الشهادة فی سبيل اللّه تعالی، برقم 1878.

«بهشت صد درجه دارد که خداوند آن را برای مجاهدین در راهش آماده کرده است. بین هر دو درجه به اندازه بین آسمان و زمین فاصله وجود دارد. پس هرگاه شما چیزی را از خداوند خواستید فردوس را از او بخواهید که آن بهترین جای بهشت است و بالاترین آن است و بالای آن عرش رحمان قرار دارد و از فردوس رودهایی جاری می شوند.» [۱]

۹- میهمانی شهیدان ، نزد الله !!! :

از مقدام بن معدیکرب رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند : "للشهید عند الله ستُّ خصال: یغفرُ له فی أول دُفعهٔ من دمه، ویُری مقعده من الجنهٔ، ویجار من عذاب القبر، ویأمن من الفزع الأکبر، ویُحلَّی حلیهُ الإیمان، ویزوج من الحور العین، ویُشفَّع فی سبعین إنسانًا من أقاربه"

«شهید نزد خداوند شش ویژگی دارد: با اولین قطرهء خون او گناهانش بخشیده می شود، جایگاه خود را در بهشت میبیند، از عذاب قبر نجات می یابد، از وحشت بزرگ قبر در امان است، به زیور ایمان آراسته می شود، با حور عین ازدواج داده می شود، شفاعت او در بارهء هفتاد تن از خویشاوندانش پذیرفته می شود . [۲]

سبحان الله برای شهیدان حور عین داده می شود ،

حور عینی که در حدیث انس رضی الله عنه وصفش این چنین آمده است ، رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید : " وَلَوْ أَنَّ امْرَأَةً منْ أَهْلِ الْجَنَّهْ اطَّلَعتْ إِلَی أَهْلِ الأَرْضِ لأَضَاءَتْ مَا بَیْنَهُمَا وَلَمَلأَتْهُ رِیحًا ، وَلَنَصِیفُهَا عَلَی رأسِهَا خَیْرٌ مِنَ الدُّنْیَا وَمَا فِیهَا "

«اگر یکی از زنان بهشتی بر اهل زمین، جلوه نماید، فضای میان زمین و آسمان را روشن و مالامال از بوی عطر می نماید. و روسری ای که بر سر دارد، از دنیا و آنچه در آن، وجود دارد، بهتر است.» [۳]

---

[۱] البخاری، کتاب الجهاد والسیر، باب درجات المجاهدین فی سبیل الله، برقم 2790.

[۲] ابن ماجه، کتاب الجهاد، باب فضل الشهادهٔ فی سبیل الله برقم 2799، والترمذی، کتاب الجهاد، باب ثواب الشهید، برقم 1663، وقال: "حسن صحیح" وأخرجه أحمد 131/4، 200/4، وصححه الألبانی فی صحیح سنن ابن ماجه 129/2، وفی مشکل المصابیح، برقم 2834.

[۳] متفق علیه: البخاری واللفظ له، کتاب الجهاد، باب الغدوهٔ والروحهٔ فی سبیل الله برقم 2792، ولفظه من الطرف رقم 2796، وأخرجه مسلم، کتاب الإمارهٔ، باب فضل الغدوهٔ والروحهٔ فی سبیل الله برقم 1880.

10ـ خون شهید در روز قیامت :

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است :

" وَالَّذِی نَفْسِی بِیَدِهِ لا یُکْلَمُ[1] أَحَدٌ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَنْ یُکْلَمُ فِی سَبِیلِهِ إِلاَّ جَاءَ یَوْمَ الْقِیَامَةِ وَاللَّوْنُ لَوْنُ الدَّمِ وَالرِّیحُ رِیحُ الْمِسْكِ "

«سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، هرکس، در در راه خدا زخمی شود ـ وخدا بهتر می داند چه کسی در راه او زخمی می شود ـ روز قیامت، در حالی محشور می شود، که رنگ زخمش، رنگ خون، و بوی آن، بوی مشك خواهد بود.» [۲]

11ـ کسی که شهید شده می خواهد ده بار دیگر نیز (اینگونه) بمیرد :

از انس رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده اند : "ما من عبد یموت له عند الله خیر یسره أن یرجع إلی الدنیا وأن له الدنیا وما فیها، إلا الشهید لما یری من فضل الشهادة..."

«هیچ بنده ای نیست که بمیرد و در نزد الله تعالی برای او خیر باشد بازگشتن به دنیا او را شاد کند و دنیا و هر انچه که در آن است برای اوست الا شهید به این خاطر که فضل شهادت را می بیند (و می بیند که الله تعالی برای شهیدان چه چیزی از نعمت اماده کرده است).»

و در لفظ دیگر (نیز فرموده اند) : " ما أَحدٌ یدْخُلُ الجنَّةَ یُحبُّ أنْ یرْجعَ إلی الدُّنْیَا ولَه ما علی الأرْضِ منْ شَیءٍ إلاَّ الشَّهید، یتمَنَّی أنْ یَرْجِع إلی الدُّنْیا، فَیُقْتَلَ عشْرَ مَرَّات، لِما یری مِنَ الکرامةِ "

«هیچکدام از آنانی که به بهشت درآیند، دوست ندارد که به دنیا بازگردد هر چند همهء آنچه بر زمین است از او باشد، جز شهید، زیرا بواسطهء کرامتی که می بینند، آرزو می کند که به دنیا بازگشته و ده بار کشته شود.» [۳]

---

[1] یکلم : مجروح می شود ، علماء در مورد حکمت برانگیخته شدن شهید در حالت جراحت می گویند : تا اینکه این جراحت شاهدی باشد بر جانفدایی شهید برای طاعت الله تعالی . فتح الباری ، امام ابن حجر 20/6.

[2] متفق علیه: البخاری، کتاب الجهاد، باب من یجرح ی سبیل الله عز وجل، برقم 2803، ومسلم، کتاب الإمارة، باب فضل الجهاد والخروج فی سبیل الله، برقم 1876.

[3] متفق علیه: البخاری، کتاب الجهاد، باب الحور العین و صفتهن، برقم 2795، والطرف رقم 2817، ومسلم، کتاب الإمارة، باب فضل الشهادة فی سبیل الله برقم 1877.

12ـ ارواح شهداء در بهشت به گردش می پردازند ! :

از عبداللّه بن مسعود رضی اللّه عنه در مورد این آیه پرسیده شد که اللّه تعالی می فرماید :

{وَلاَ تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُواْ فِي سَبِيلِ اللّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِندَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ}

«کسانی را که در راه خدا کشته می شوند ، مرده مشمار ، بلکه آنان زنده اند و بدیشان نزد پروردگارشان روزی داده می شود (و چگونگی زندگی و نوع خوراک ایشان را خدا می داند و بس).»[1]

گفت : ما نیز این سوال را از رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم پرسیدیم که ایشان فرمودند:

" أرواحهم في جوف طير خضر لها قناديل معلقة بالعرش تسرح من الجنة حيث شاءت، ثم تأوى إلى تلك القناديل، فاطلع عليهم ربهم اطلاعة، فقال: هل تشتهون شيئًا؟ قالوا: أي شيء نشتهي ونحن نسرح من الجنة حيث شئنا"

ارواح آنها در شکم پرندگان سبز رنگ قرار دارد، و برای آنها قندیلها (چراغهایی) است که به عرش آویخته شده اند، و درهر جای بهشت که بخواهند می روند، سپس به طرف این قندیلها (چراغها) برمی گردند، پروردگارشان به آنان نگاهی می کند، و می فرماید : آیا چیزی میل دارید؟ می گویند : اشتهای چه چیزی را داشته باشیم درحالی که در هر جای بهشت، که بخواهیم می رویم .[2]

13ـ شهید با کشته شدنش هیچ دردی احساس نمی کند ! :

از ابوهریره رضی اللّه عنه روایت است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم فرمود :

"الشهيد لا يجد من القتل إلا كما يجد أحدكم القرصة يُقرصُها"

«شهید درد مرگ را جز به اندازهء که یکی از شما دیگری را با ناخن بگیرد (بگزد یا همان نیشگون) احساس نمی کند.»[3]

---

[1] . آل عمران: 169

[2] مسلم، كتاب الإمارة، باب بيان أن أرواح الشهداء في الجنة، وأنهم أحياء عند ربهم يرزقون برقم 1887.

[3] النسائي، كتاب الجهاد، باب ما يجد الشهيد من ألم القتل، برقم 3163، وابن ماجه، كتاب الجهاد، باب فضل الشهادة في سبيل اللّه، برقم 2802، وقال الألباني في صحيح سنن النسائي 665/2، وفي صحيح سنن ابن ماجه، 130/2: "حسن صحيح".

14- فضيلت انفاق در راه اللّه تعالى :

اللّه سبحانه و تعالى مى فرمايد : {مَّثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِى سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِى كُلِّ سُنبُلَةٍ مِّئَةُ حَبَّةٍ وَاللّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ وَاللّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ}

«مثل كسانى كه دارائى خود را در راه خدا صرف مى كنند ، همانند دانه اى است كه هفت خوشه برآرد و در هر خوشه صد دانه باشد ، و خداوند براى هر كه بخواهد آن را چندين برابر مى گرداند ، و خدا (قدرت و نعمتش) فراخ (و از همه چيز) آگاه است.» [1]

و از خريم بن فاتك رضى اللّه عنه نيز روايت است كه رسول اللّه صلى اللّه عليه و سلم فرموده اند : " مَنْ أَنْفَقَ نَفَقَةً فِى سَبِيلِ اللَّهِ كُتِبَ لَهُ سَبْعُمِائَةِ ضِعْفٍ "

«آنكه در راه خدا چيزى را نفقه و خرج كند، براى او هفتصد برابر آن نوشته مى شود.» [2]

از ابو مسعود انصارى رضى اللّه عنه روايت است كه فرمود : جاءَ رجُلٌ إلى النبى صلّى اللّهُ علَيْه وسلَّم بِنَاقَةٍ مَخْطُومةٍ فقال: هذِه فى سبِيل اللَّه، فقال رسُولُ اللَّهِ صلّى اللّهُ عَلَيْه وسلَّم: « لكَ بِهَا يَومَ القِيامةِ سبعُمائَةِ ناقَةٍ كُلُّها مخطُومةٌ »

مردى شتر مهار دارى را بخدمت پيامبر صلى اللّه عليه وسلم آورده و گفت: اين در راه خدا صدقه است.

رسول اللّه صلى اللّه عليه وسلم فرمود: «برايت در روز قيامت هفتصد شتر كه همه اش مهار دار است، بعوض آن داده مى شود.» [3]

15- شهداء زنده اند و نزد پروردگارشان روزى داده مى شوند :

اللّه تعالى مى فرمايد : {وَلاَ تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُواْ فِى سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِندَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ - فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللّهُ مِن فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُواْ بِهِم مِّنْ خَلْفِهِمْ أَلاَّ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلاَ هُمْ يَحْزَنُونَ - يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللّهَ لاَ يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ}

«و كسانى را كه در راه خدا كشته مى شوند ، مرده مشمار ، بلكه آنان زنده اند و بديشان نزد پروردگارشان روزى داده مى شود (و چگونگى زندگى و نوع خوراك ايشان را خدا مى داند

---

[1] . البقرة: 261

[2] سنن الترمذى، كتاب فضائل الجهاد، باب ما جاء فى فضل النفقة فى سبيل اللّه، برقم 1625، وصححه الألبانى فى صحيح سنن الترمذى 2/124.

[3] مسلم، كتاب الإمارة، باب فضل الصدقة فى سبيل اللّه تضعيفها، برقم 1892 [مخطومة: أى فيها خطام وهو قريب من الزمام.

و بس) ـ آنان شادمانند از آنچه خداوند به فضل و کرم خود بدیشان داده است ، و خوشحالند به خاطر کسانی که بعد از آنان مانده اند (و هنوز در راه خدا می رزمند و به فوز شهادت نائل نشده اند و) بدیشان نپیوسته اند . (شادی و سرور آنان از این بابت است که پیروزی یا شهادت در انتظار هم کیشان ایشان است و مقامات برجسته آنان را در آن جهان می بینند ، و می دانند) این که ترس و هراسی بر ایشان نیست و آنان اندوهگین نخواهند شد . (نه مکروهی بر سر راه آنان در سرای باقی است ، و نه بر کاری که در سرای فانی کرده اند و دارائی و عزیزانی را که ترک گفته اند ، پشیمانند) ـ شاد و خوشحالند به خاطر نعمتی که خدا بدانان داده است و فضل و کرمی که او بدیشان روا دیده است ، و خوشوقت و مسرورند از این که (می بینند) خداوند اجر و پاداش مؤمنان را ضائع نکرده و هدر نمی دهد.» [1]

16ـ جهاد ، دری از درهای بهشت !! :

از عبادة بن الصامت رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: "جاهدوا فی سبیل الله فإن الجهاد فی سبیل الله باب من أبواب الجنة ینجی الله به من الهم والغم"

«در راه الله جهاد کنید چراکه جهاد دری از درهای بهشت است و با آن الله تعالی از هم غم شما را نجات می دهد.»[2]

17ـ آنچه که (شخص مسلمان را) به مقام شهادت می رساند :

این فضیلت بسیاربزرگ برای کسی است که مقام شهادت را صادقانه از الله تعالی درخواست نماید ، از سهل بن حنیف رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: "من سأل الله الشهادة بصدق بلّغه الله منازل الشهداء وإن مات علی فراشه"

«کسی که از روی صدق و راستی از خداوند شهادت را طلب کند خداوند او را از درجات شهداء بهره مند می سازد هرچند بر بالینش بمیرد.» [3]

---

[1] . آل عمران : 169 ، 170 ، 171

[2] أحمد 5/314، 316، 319، 326، 330، والحاکم وصححه ووافقه الذهبی 2/75، وأورده الهیثمی فی مجمع الزوائد 5/272، وقال: رواه أحمد والطبرانی فی الکبیر والأوسط، وأحد أسانید أحمد وغیره ثقات. وحسن إسناده شعیب وعبد القادر الأرنؤوط فی حاشیتهما علی زاد المعاد لابن القیم، 3/77.

[3] مسلم، کتاب الإمارة، باب استحباب طلب الشهادة فی سبیل الله تعالی برقم 1908.

و نیز از انس رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند :

"من طلب الشهادة صادقًا أعطيها ولو لم تصبه"

«آنکه صادقانه شهادت را طلبد ، ثوابش به وی داده می شود، هر چند به آن نرسد.»[۱]

18- برتری مجاهدان بر کسانی (از مومنان) که نشسته اند (و جهاد نمی کنند) !! :

الله تعالی (در این مورد) می فرماید :

{لاَّ يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُوْلِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُـلاًّ وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا - دَرَجَاتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا}

«(جهاد با رعایت این همه احتیاطی که گذشت ، بس بزرگ و ارزشمند است) . مسلمانانی که (به جهاد نمی روند و در منازل خود) می نشینند ، با مسلمانانی برابر نیستند که با مال و جان ، در راه الله جهاد می کنند . خداوند مرتبه والائی را نصیب مجاهدان کرده است که بالاتر از درجه خانه نشینان است ، مگر چنین خانه نشینانی دارای عذری باشند (که ایشان را از بیرون شدن برای جهاد بازداشته باشد . در این صورت درخور سرزنش نیستند ، و پاداش بزرگ خود را از خدا دریافت می دارند و مرتبه بالائی دارند) . خداوند به هر یک (از دو گروه مجاهد و وانشستگان معذور) منزلت زیبا (و عاقبت والائی) وعده داده است . و خداوند مجاهدان را بر وانشستگان (بدون عذر) با دادن اجر فراوان و بزرگ ، برتری بخشیده است - درجات بزرگی از ناحیه خدا (بدانان داده می شود) همراه با مغفرت و رحمت (فراوان الله . و اگر لغزشهائی هم داشته اند) خداوند آمرزنده و مهربان است.» [۲]

19- رحمت و بخشایش برای شهداء :

الله سبحانه و تعالی می فرماید : **{وَلَئِن قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ - وَلَئِن مُّتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ}**

---

[۱] مسلم، كتاب الإمارة، باب استحباب طلب الشهادة في سبيل الله تعالى، برقم 1908.

[2] . النساء: 95، 96

«و اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید ، مغفرت و مرحمتی (که شما را در برمی گیرد) بهتر از چیزهائی است که (آنان در طول عمر) جمع آوری می کنند ـ و اگر بمیرید یا کشته شوید (مگر نه این است که فانی نمی شوید و در هر دو صورت) به سوی خدا بازگردانده می شوید (و پاداش اعمال خوب یا بدتان داده می شود).» [1]

20ـ کشته شدن در راه الله هر گناهی را می پوشاند به جز قرض و دَین ! :

از عبد الله بن عمرو بن العاص رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند : "يُغفر للشهيد كل ذنب إلا الدين"

«برای شهید تمام گناهانش بخشیده می شود الا قرض و بدهی.» [۲]

و از ابو قتادهٔ رضی الله عنه روایت است که: أَنَّهُ صَلّى اللّهُ عَلَيْهِ وسَلَّم قَام فِيهمْ، فذَكَرَ لَهُمْ "أن الجهاد فى سبيل اللّه، والإيمان باللّه أفضل الأعمال" فقام رجل فقال: يا رسول اللّه، أرأيت إن قتلت فى سبيل اللّه تكفَّر عنى خطاياى؟ فقال له رسول اللّه صلى اللّه عليه وسلم: "نعم، إن قتلت فى سبيل اللّه وأنت صابر محتسب، مقبل غير مدبر" ثم قال رسول اللّه صلى اللّه عليه وسلم: "كيف قلت"؟ فقال: أرأيت إن قتلت فى سبيل اللّه أتكفَّر عنى خطاياى؟ فقال رسول اللّه صلى اللّه عليه وسلم: "نعم وأنت صابر محتسب، مقبل غير مدبر، إلا الدَّين، فإن جبريل عليه السلام قال لى ذلك"

رسول الله صلی الله علیه وسلم در میان ایشان ایستاده و بر ایشان بیان نمود که جهاد در راه خدا و ایمان به خدا برترین اعمال است .

سپس مردی برخاسته و گفت: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم آگاهم کن که هرگاه در راه خدا کشته شوم ، آیا گناهانم بخشیده می شود؟

رسول الله صلی الله علیه وسلم برایش فرمود: «بلی اگر در راه خدا کشته شوی در حالیکه صبر نموده و از خدا مزدی طلبی و با دشمن روبرو شده به وی پشت ندهی.»

بعد رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: چطور گفتی؟

---

[1] . آل عمران: 157، 158

[2] مسلم، كتاب الإمارة، باب من قتل فى سبيل اللّه كفرت خطاياه إلا الدَّين، برقم 1886.

گفت: هرگاه در راه خدا کشته شوم آیا گناهانم بخشیده می شود؟

فرمود: «بلی،هرگاه کشته شوی در حالیکه صبر نموده و مزدت را از خدا بخواهی و با دشمن روبرو شده و فرار نکنی ، بجز قرض ، چون جبرئیل این را برایم گفته است.» [۱]

21ـ مجاهدی که با جان و مالش جهاد کرده است ، برترین مردم است :

از ابو سعید الخدری رضی الله عنه روایت است که گفت : قیل یا رسول اللّه، أی الناس أفضل؟ فقال: "مؤمن یجاهد بنفسه وماله فی سبیل اللّه" قال: ثم من؟ قال: "ثم مؤمن فی شعب من الشعاب یعبد اللّه ربه ویدع الناس من شره"

مردی به حضور رسول اللّه صلی اللّه علیه وسلم آمده و گفت: بهترین مردم کیست؟

فرمود: «مسلمانی که با جان و مالش در راه خدا جهاد می کند.»

گفت: باز چه کسی (افضل است) ؟

فرمود : «مؤمنی که در قلهء کوهی زندگی نموده و خدا را پرستیده و مردم را از شر خویش در امان می دارد.» [۲]

22ـ هر کس که از خانه اش به عنوان یك مجاهد خارج شود و بمیرد ، اجر و پاداشش با اللّه است :

اللّه تعالی در این باره می فرماید : {وَمَن يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الأَرْضِ مُرَاغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَن يَخْرُجْ مِن بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا}

«کسی که در راه خدا هجرت کند ، سرزمینهای فراخ و آزادی فراوان می بیند ، و گشایش و آسایش خواهد یافت. و هر که از خانه خود بیرون آید و به سوی (سرزمینهای اسلامیِ) خدا و رسول هجرت کند،و سپس مرگ او را دریابد ، اجر او بر عهده خدا است ، و خداوند بسی آمرزنده و مهربان است.»[۳]

---

[1] مسلم، كتاب الإمارة، باب من قتل فی سبیل اللّه كفرت خطایاه إلا الدین، برقم 1885.

[2] متفق علیه: البخاری، كتاب الجهاد، باب أفضل الناس مؤمن یجاهد بنفسه وماله فی سبیل اللّه، برقم 2786، ومسلم، كتاب الإمارة، باب فضل الجهاد والرباط، برقم 1888.

[3] . النساء: 100

از ابوهریرهٔ رضی اللّه عنه روایت است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم فرمود : "انتدب[۱] اللّه لمن خرج فی سبیله، لا یخرج إلا إیمانٌ بی وتصدیقٌ برسلی أن أرجعه بما نال من أجر أو غنیمهٔ، أو أدخله الجنهٔ، ولولا أن أشق علی أمتی ما قعدت خلف سریهٔ، ولوددت أنی أقتل فی سبیل اللّه، ثم أحیا، ثم أقتل، ثم أحیا، ثم أقتل"

و در لفظ دیگری از حدیث می فرماید :

"وتوکل اللّه للمجاهد فی سبیله بأن یتوفاه أن یدخله الجنهٔ أو یرجعه سالمًا مع أجرٍ أو غنیمهٔ"

و در لفظ دیگری از حدیث می فرماید :

"تکفل اللّه لمن جاهد فی سبیله لا یخرجه من بیته إلا الجهاد فی سبیله وتصدیق کلمته أن یدخله الجنهٔ أو یرده إلی مسکنه بما نال من أجر أو غنیمهٔ"

«هر کس که برای خشنودی خدا، بقصد جهاد از خانه خارج شود و تنها انگیزه اش ایمان به خدا و تصدیق پیامبرانش باشد، خداوند وعده فرموده است که او را (در صورت زنده ماندن) با پاداش غنیمت، به خانه برگرداند. و (در صورت شهید شدن)، او را وارد بهشت گرداند».

علاوه بر این، رسول اکرم - صلی اللّه علیه وسلم - فرمود: «اگر برای امتم مشکل نمی شد، هیچگاه از رفتن به جهاد باز نمی ایستادم زیرا من دوست دارم که بارها در راه خدا شهید شده و دوباره زنده شوم.»

و در لفظ دیگری آمده است : «و خداوند، تعهد نموده است که اگر مجاهدِ راهش را بمیراند، او را وارد بهشت سازد و (اگر زنده نگه دارد) سالم و تندرست، همراه پاداش یا غنیمت (به خانه) برگرداند.»

و در لفظ دیگری آمده است : «خداوند ضامن کسی است که در راه خدا جهاد کند، و ضامن آن کس که برای هیچ چیز جز جهاد در راه خدا و تصدیق کلمات خدا، از خانه اش خارج نشده است،

---

[۱] انتدب: سرعت بخشیدن در اعطای ثواب و نیکو گردانیدن آن ، و گفته می شود : معنایش اجابت چیز خواسته شده است ، و گفته می شود : معنایش سرپرستی و کفالت چیز طلب شده است . فتح الباری لابن حجر 93/1.

نه برای این که خدا او را [به خاطر جهاد] وارد بهشت کند یا این که او را با آن چه از پاداش یا غنیمت نصیبش شده است به خانه اش ـ که ازآن خارج شده ـ ،بازگرداند.» [۱]

اعمال نیز بستگی به نیت دارد ، امام احمد در مسندش روایت کرده است که :

"من خرج من بيته مجاهدًا فى سبيل اللّه عز وجل فخرَّ عن دابته ومات فقد وقع أجره على اللّه تعالى، أو لدغته دابةٌ فمات فقد وقع أجره على اللّه، أو مات حتف أنفه فقد وقع أجره على اللّه عز وجل"

«هر کس که از خانه اش برای جهاد در راه اللّه خارج شود و از مرکبش به زمین بیافتد ، اجرش با اللّه است یا اینکه او را جانوری نیش بزند و بمیرد در واقع اجرش با اللّه است یا به هر نوعی که اللّه بخواهد بمیرد اجرش با اللّه است.»[۲]

و رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم در مورد کسی که در راه پاسداری و مرزداری در راه اللّه تعالی کشته می شود ، فرموده است :

"وإن مات جرى عليه عمله الذى كان يعمله وأُجرى عليه رزقه وأمن الفتان"

«و اگر بمیرد عملش استمرار می یابد و بر او روزی اش جزا داده می شود و از فتنه قبر در امان می باشد.» [۳]

و این بر فضیلت وفات در حالت مرزداری دلالت می کند، و معنایش اینگونه می باشد ـ واللّه اعلم ـ : اگر در حال رباط و نگهبانی وفات کند، آن عملی که در حال نگهبانی انجام می داده است ، استمرار یافته و برایش نشان داده می شود و روزیش برای او داده می شود همانطور که به شهدائی که ارواحشان در شکم پرندگان سبز قرار گرفته بود ، داده می شود. از ثمرات و میوه های بهشت تناولکرده و از عر فتنه ای در امان می ماند و گفته می شود : از فتنه های قبر در امان می ماند .[٤]

---

[1] متفق عليه: البخارى واللفظ له، كتاب الإيمان، باب الجهاد من الإيمان، برقم 36، وما بين المعكوفين من الطرف رقم 2787، ورقم 3123، ورقم 7457، ورقم 7463، ومســـلم، كتاب الإمارة، باب فضل الجهاد والخروج فى سبيل اللّه، برقم 1876.

[2] أحمد فى المسند 4/36.

[3] مسلم برقم 1913، وتقدم تخريجه فى فضل الرباط فى سبيل اللّه تعالى .

[4] المفهم لما أشكل من تلخيص كتاب مسلم 3/756.

23ـ مثال مجاهد در راه الله تعالی ... :

از ابوهریرة رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند :

"مثل المجاهد فی سبیل الله کمثل الصائم القائم القانت بآیات الله لا یفتر من صلاة، ولا صیام، حتی یرجع المجاهد فی سبیل الله"

«صفت مجاهد راه خدا مانند روزه دار کوشش کننده است که به آیات خدا مطیع بوده و از انجام روزه و نماز غفلت نمی کند، تا اینکه مجاهد راه خدا باز گردد.» [۱]

24ـ جهاد در راه الله ، بلند ترین قله ی اسلام ! :

از معاذ بن جبل رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم به او فرمود:

"رأس الأمر الإسلام وعموده الصلاة، وذروة سنامه الجهاد"

«در رأس همهٔ امور اسلام قرار دارد، ستون آن نماز و قلهٔ افتخارات آن جهاد فی سبیل الله است.»[۲]

25ـ جهاد در راه الله ، گردشگری این امت است ! :

از أبی أمامهٔ رضی الله عنه روایت است که : أن رجلاً قال: یا رسول الله، ائذن لی فی السیاحهٔ، قال النبی صلی الله علیه وسلم: " إن سیاحهٔ أمتی الجهاد فی سبیل الله عز وجل "

مردی گفت: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم بمن اجازهء سیاحت (گردش) ده ، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «سیاحت امتم ، جهاد در راه خدا است.»[۳]

هنگامی که اسلام به سفر کردن و دوری از وطن و دوستان به خاطر ریاضت و دوری از دوست داشتنی ها و دور شدن از مباحات ، امر نمی کند ، پیامبر صلی الله علیه و سلم برای ما روشن

---

[۱] متفق علیه: البخاری، کتاب الجهاد والسیر، باب فضل الجهاد والسیر، برقم 2785، ومسلم، کتاب الإمارة، باب فضل الشهادة فی سبیل الله، برقم 1878.

[۲] الترمذی، کتاب الإیمان، باب ما جاء أن الحیاء من الإیمان برقم 2616، وابن ماجه، کتاب الفتن، باب کف اللســان فی الفتنة، برقم 3973، وأحمد 230/5، وصححه الألبانی فی صحیح ابن ماجه 359/2، وإرواء الغلیل، برقم 413، 138/2.

[۳] أبو داود، کتاب الجهاد، باب فی النهی عن السیاحة، برقم 2486، وحسنه الألبانی فی صحیح سنن أبی داود 472/2.

می کند که همانا اسلام دین زندگی و جهاد در راه اللّه تعالی بر روی زمین است و هرگز مسلمانی بابی از ابواب آن را از بین نمی برد . [۱]

26ـ تیر اندازی در راه اللّه ، با آزاد کردن برده ، برابری می کند ! :

از أبی نجیح عمرو بن عبسةُ السلمی رضی اللّه عنه روایت است که گفت : از رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم شنیدم که می گفت : "من رمى بسهم فى سبيل اللّه فهو له عدل محررٍ[۲]"

«آنکه تیری را در راه خدا بزند مثل آن است که برده ای را آزاد کرده است.»

و در لفظ حدیث ابن ماجه نیز فرموده اند :

"من رمى العدو بسهم، فبلغ سهمه العدوَّ، أصاب، أو أخطأ، فيعدل رقبةُ"

هرکس دشمن را با تیری بزند و تیرش به دشمن برسد و برخورد بکند یا نکند (و به خطا رود) ، (این کارش) با آزاد کردن یك برده برابری می کند . [۳]

27ـ عمل کم (ولی) پاداش فراوان !! :

از براء رضی اللّه عنه روایت است که : جاء رجل إلى النبى صلى اللّه عليه وسلم مُقَنَّعٌ[٤] بالحديد فقال يا رسول اللّه، أقاتل أو أسلم؟ فقال صلى اللّه عليه وسلم: "أسلم ثم قاتل" فأسلم ثم قاتل فقتل، فقال رسول اللّه صلى اللّه عليه وسلم: "عمل قليلاً وأجر كثيرًا"

مردی زره پوش خدمت پیامبر صلی اللّه علیه وسلم آمده و گفت: یا رسول اللّه صلی اللّه علیه وسلم بجنگم یا مسلمان شوم؟

فرمود: «اسلام بیاور، سپس بجنگ. پس اسلام آورده و جنگید تا اینکه کشته شد.»

سپس رسول اللّه صلی اللّه علیه وسلم فرمود: کم عمل نمود و مزد زیادی گرفت . [٥]

---

[1] انظر: دليل الراغبين إلى رياض الصالحين ص652.

[2] المحرَّرُ: برده ی آزاد شده ، و العدل: مثل و مانند .

[3] الترمذى، كتاب فضائل الجهاد، باب ما جاء فى فضل الرمى فى سبيل اللّه، برقم 1638، وقال الترمذى: "هذا حديث حسن صحيح، وأبو نجيح: هو عمرو بن عبسةُ السلمى"، وأخرجه ابن ماجه، كتاب الجهاد، باب الرمى فى سبيل اللّه برقم 2812، وصححه الألبانى فى صحيح سنن الترمذى 126/2.

[4] مقنع بالحديد: مغطى بالسلاح، وقيل: هو الذى على رأسه خوذة، انظر: النهايةُ لابن الأثير، باب القاف مع النون 114/4، وتفسير غريب ما فى الصحيحين للحميدى ص130.

[5] متفق عليه: البخارى، كتاب الجهاد، باب عمل صالح قبل القتال، برقم 2808، ومسلم، كتاب الإمارة، باب ثبوت الجنة للشهيد برقم 1900.

28ـ کسی که مجاهدی را تجهیز کند ، در واقع جهاد کرده است ! :

از زید بن خالد رضی اللّه عنه روایت است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم فرمود :ژ "من جهَّز غازيًا فقد غزا[1]، ومن خلف غازيًا فی أهله بخير فقد غزا"

«هر کس رزمنده ای را در راه خدا ساز و برگ دهد، در واقع جهاد کرده است. و آنکه بوجهی پسندیده سرپرستی خانواده رزمنده ای را بنماید، در واقع جهاد کرده است.»[2]

مبحث هفتم : هشدار برای کسانی که جهاد را ترک کرده اند !!!

از أبی هریرة رضی اللّه عنه روایت است که رسول اللّه صلی اللّه علیه وسلم فرمودند :

"من مات ولم يغز ولم يحدث به نفسه مات على شعبة من نفاق"

«کسکیه بمیرد و جهاد نکند و در فکر جهاد هم نباشد بر شعبه ای از نفاق از دنیا رفته است.»[3]

و از أبی أمامة رضی اللّه عنه روایت است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم فرمودند :

"من لم يغز، أو يجهز غازيًا، أو يخلف غازيًا فی أهله بخير، أصابه اللّه بقارعة قبل يوم القيامة"

«کسیکه جهاد نکند یا رزمنده ای را مجهز ننماید و یا خانواده رزمنده ای را بنحوی درست سرپرستی نکند، خداوند قبل از روز قیامت او را به عذابی مبتلا می کند.»[4]

از ابن عمر رضی اللّه عنهما روایت است که گفت : از رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم شنیدم که می فرمود : "إذا تبايعتم بالعينة، وأخذتم أذناب البقر، ورضيتم بالزرع وتركتم الجهاد سلط اللّه عليكم ذلاً لا ينزعه حتى ترجعوا إلى دينكم"

---

[1] من جهز غازيًا: تجهيز الغازی: تحميله، وإعداد ما يحتاج إليه فی غزوه، ومعنى خلف غازيًا فی أهله: أی قام مقامه فی مراعاة أحوال أهله. انظر: النهاية فی غريب الحديث لابن الأثير، باب الجيم مع الهاء 1/321، وباب الخاء مع اللام 2/66.

[2] متفق عليه: البخاری، كتاب الجهاد، باب فضل من جهّز غازيًا، برقم 2843، ومسلم، كتاب الإمارة، باب فضل إعانة الغازی فی سبيل اللّه، مركوب وغيره، وخلافته فی أهله بخير برقم 1895.

[3] مسلم، كتاب الإمارة، باب من مات ولم يغز ولم يحدث نفسه بالغزو، برقم 1910.

[4] أبو داود، كتاب الجهاد، باب كراهية ترك الغزو، برقم 2503، وحسنه الألبانی فی صحيح سنن أبی داود 2/75.

«وقتی به تجارت عینه (نوعی تجارت است)و بازی با ازناب گاو و زراعت راضی شدید و جهاد را ترک کردید همانا خداوند بر شما خواری را مسلط می کند و این خواری از شما جدا نمی شود تا به دین خود بازگردید.»

یا اینکه مثل آنرا فرموده است ، صلی اللّه علیه و سلم .[۱]

و تشویق به آماده شدن برای جهاد ، از حدیث مرفوع عقبۀ بن عامر رضی اللّه عنه مشخص می شود که رسول اللّه صلی اللّه علیه وسلم فرموده است :

"من علم الرمی ثم ترکه فلیس منا، أو قد عصی"

«آنکه تیراندازی برایش آموزش داده شد و او آن را ترک کرد، پس از ما نیست. یا فرمود: به تحقیق عصیان و نافرمانی کرده است.» [۲]

مبحث هشتم: شهدای خارج از معرکه ی جنگ :

رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم حالتها و مشخصات شهدای خارج از معرکه ی جنگ را بیان کرده است که دلایل آن از سنت ثابت است .

از ابوهریرۀ رضی اللّه عنه روایت است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم فرمودند :

"الشهداء خمسۀ: المطعون، والمبطون، والغَرِقُ، وصاحب الهدم، والشهید فی سبیل اللّه"

«شهداء پنج گروه هستند: آنکه بطاعون بمیرد و آنکه در بیماری شکم (اسهال) بمیرد و آنکه غرق شود و آنکه زیر ویرانی بمیرد و شهیدیکه در راه خدا (جهاد) بشهادت می رسد.»[۳]

از أنس رضی اللّه عنه روایت است که رسول اللّه صلی اللّه علیه وسلم فرمودند :

"الطاعون شهادۀ لکل مسلم"

«طاعون برای هر مسلمان، شهادت بحساب می آید.» [٤]

---

[۱] أبو داود، کتاب البیوع، باب فی النهی عن العینۀ برقم 3462، ومسند الإمام أحمد 84/2، وصححه الألبانی لمجمع طرقه فی سلسلۀ الأحادیث الصحیحۀ برقم 11.

[۲] مسلم، کتاب الإمارۀ، باب فضل الرمی والحث علیه وذم من علمه ونسیه برقم 1919.

[۳] متفق علیه: البخاری، کتاب الجهاد، باب الشهادۀ سبع سوی القتل، برقم 2829، ومسلم، کتاب الإمارۀ، باب بیان الشهداء برقم 1914.

[٤] مسلم، کتاب الإمارۀ، باب بیان الشهداء برقم 1916.

و از أبی هریرة رضی اللّه عنه روایت است که رسول اللّه صلی اللّه علیه وسلم فرمودند :

"ما تعدون الشهید فیکم"؟ قالوا: یا رسول اللّه، من قتل فی سبیل اللّه فهو شهید، قال: "إن شهداء أمتی إذًا لقلیل" قالوا: فمن هم یا رسول اللّه؟ قال: "من قتل فی سبیل اللّه فهو شهید، ومن مات فی سبیل اللّه فهو شهید، ومن مات فی الطاعون فهو شهید، ومن مات فی البطن فهو شهید" وفی روایة: "والغریق شهید"

در میان تان چه کسی را شهید می شمارید؟

گفتند: یا رسول اللّه صلی اللّه علیه وسلم! آنکه فقط در راه خدا کشته شود، شهید است.

فرمود: اگر اینطور باشد، پس شهدای امتم کم می باشند.

گفتند: پس چه کسانی اند، ای رسول خدا؟

فرمود: «آنکه در راه خدا کشته شود، شهید است و آنکه در راه خدا بمیرد، شهید است و آنکه از مرض طاعون بمیرد، شهید است و آنکه از مرض اسهال بمیرد، شهید است و در روایت دیگر ، آنکه غرق شود ، شهید است.»[1]

و از جابر بن عتیك رضی اللّه عنه روایت شده که رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم فرمودند:

"الشهداء سبعةٌ، سوی القتل فی سبیل اللّه: المطعون شهید، والغَرِقُ شهید، وصاحب ذات الجَنبِ شهید، والمبطون شهید، والحَرِقُ شهید، والذی یموت تحت الهدم شهید، والمرأة تموت بجُمعٍ شهید"

«غیر از مجاهد فی سبیل اللّه که در راه خدا کشته می شود، شهدا هفت گروهند:

1- **کسی که طاعون زده باشد و بمیرد .**
2- **کسی که بسوزد.**
3- **کسی که غرق شود.**
4- **کسی که بیماری ذات الریه داشته باشد.**
5- **کسی که بیماری شکم داشته باشد.**
6- **کسی که زیر آوار بمیرد .**

---

[1] مسلم، کتاب الإمارة، باب بیان الشهداء، برقم 1915.

7- کسی که به خاطر ولادت فرزند بمیرد یعنی در هنگام تولد بچه جان خود را از دست بدهد .[١]

و از عبادة بن الصامت رضی اللّه عنه حدیث مرفوعی روایت است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم فرمودند : "إن فی القتل شهادة، وفی الطاعون شهادة، وفی البطن شهادة، وفی الغرق شهادة، وفی النفساء یقتلها ولدها جمعاء شهادة"

«قطعا در کشته شدن (در راه اللّه) شهادت است ، و در طاعون زدگی شهادت است و در بیماری شکم شهادت است ، و در غرق شدن شهادت است و در زایمان برای متولد شدن فرزند نیز شهادت است.»[٢]

و از راشد بن حبیش رضی اللّه عنه روایت است که : أن رسول اللّه صلی اللّه علیه وسلم دخل علی عبادة بن الصامت یعوده فی مرضه، فقال رسول اللّه صلی اللّه علیه وسلم: "أتعلمون من الشهید من أمتی"؟ فقال عبادة – رضی اللّه عنه -: یا رسول اللّه الصابر المحتسب ، فقال رسول اللّه صلی اللّه علیه وسلم: "إن شهداء أمتی إذًا لقلیل: القتل فی سبیل اللّه – عز وجل – شهادة، والطاعون شهادة، والبطن شهادة، والنفساء یجرها ولدها بسره إلی الجنة، والحرق، والسِّلُّ"

رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم برای عیادت عبادة بن الصامت رفت (و در آنجا) ، فرمود : آیا می دانید شهید امت من چه کسی است ؟

عبادة گفت : صابر محتسبی که (در راه اللّه) کشته شده است .

ایشان فرمودند : «(اگر اینگونه باشد) پس شهدای امت من کم است (در حالیکه) شهدای امتم اینها هستند : کشته شدن در راه اللّه تعالی ، طاعون ، بیماری شکم ، کشته شدن مادر به سبب ولادت فرزندش ، سوخته شدن در آتش و بیماری سل ، شهادت می باشند.»[٣]

---

[1] مالك فی الموطأ، كتاب الجنائز، باب النهی عن البكاء علی الميت 334/1، واللفظ له، وأبو داود، كتاب الجنائز، باب فضـــل من مات فی الطاعون برقم 3111، والنسائی، كتاب الجنائز، باب النهی عن البكاء علی الميت برقم 1847، وقال النسائی فی المرأة "شهيدة" بالتاء المربوطة، وصححه النووی فی شرح صحيح مسلم 66/13، والألبانی فی أحكام الجنائز ص40.

[2] أحمد 314/5، 315، 317، وقال الهيثمی فی مجمع الزوائد 300/5: "رواه الطبرانی وأحمد بنحوه، ورجالهما ثقات".

[3] أحمد 489/3، وقال الهيثمی فی مجمع الزوائد 299/5: "رواه أحمد ورجاله ثقات" وصحح إسناده الألبانی فی أحكام الجنائز ص39.

و از سعید بن زید رضی الله عنه حدیث مرفوعی روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند : "من قتل دون ماله فهو شهید، ومن قتل دون أهله فهو شهید، ومن قتل دون دینه فهو شهید، ومن قتل دون دمه فهو شهید"

«کسی که در دفاع از ملش کشته شود ، شهید است ، و کسی که در دفاع از خانواده اش کشته شود شهید است و کسی که در دفاع از دینش کشته شود ، شهید است و کسی که در دفاع از خونش کشته شود شهید است.»[۱]

و از سوید بن مقرن رضی الله عنه نیز حدیث مرفوع روایت شده که:

"من قتل دون مظلمته فهو شهید"[۲]

امام ابن حجر عسقلانی رحمه الله تعالی می فرماید :

" آنچه که معلوم است ، این است که رسول الله صلی الله علیه و سلم ، (تعداد شهداء را) کم یاد داده و بعد از آن بقیه را نیز تعلیم داده و در وقت دیگری بیان کرده ، و شهادت را در هیچ یک از این اعمال حصر نکرده است و برای ما به تاکید ، از روایت های بهتر ، بیشتر از بیست خصلت (در مورد انواع شهادت) رسیده است ، و همگی این خصلت هایی که آورده ام از آنهایی است که در احادیث است که من چهارده تا را ذکر می کنم" .[۳] بنده نیز می گویم [٤] : شهدای خاج ازمعرکه ی جنگ ، که در احادیث ذکر شده است ، اینجا آورده ام که عبارتند از:

1ـ کسی که در راه الله تعالی کشته شود ، شهید است .

2ـ کسی که در راه الله تعالی بمیرد شهید است ، یعنی در جنگ شرکت نکرده و در آن حضور نداشته است ، به هر صفتی که مرده باشد ، شهید است.

3ـ کسی که با طاعون می میرد یا همان بیماری وباء ، شهید است .

4ـ کسی که از روی شکم درد بمیرد مانند : اسهال و .... ، شهید است .

---

[1] أبو داود برقم 4772، والنسائی برقم 4099، والترمذی برقم 1418، وابن ماجه برقم 2580، وأحمد برقم 1652، وتقدم تخریجه.

[2] النسائی، کتاب المحاربة، باب من قتل دون مظلمته برقم 4101، وصححه الألبانی فی صحیح النسائی 3/858.

[3] فتح الباری 6/43، وذکر: من وقصه فرسه فی سبیل الله، أو لدغته هامة، أو مات علی فراشه علی أی حتف شاء الله تعالی، فهو شهید، وصحح الدارقطنی "موت الغریب شهادة" ولابن حبان "من مات مرابطًا مات شهیدًا".

[4] . مولف کتاب

5ـ کسی که در آب غرق شده باشد ، شهید است .

6ـ کسی که زیر آوار بماند و بمیرد ، شهید است .

7ـ کسی که در آتش سوخته باشد و بمیرد شهید است ،

و هر کس که در مورد این سه خصلت قبلی افراط و زیاده روی کند [1] و هیچ فعالیتی نمی کند که خود را سالم بیرون آورد تا اینکه به او آسیبی در این واقعه می افتد و می میرد که چنین شخصی عصیان رب العامین کرده است (و به مقام شهادت نرسیده است) و اگر اللّه تعالی بخواهد او را می بخشد و اگر بخواهد او را عذاب می دهد . [۲]

8ـ کسی که ذات الریه داشته باشد و به سبب آن بمیرد ، شهید است.

9ـ زن حامله ای که به خاطر ولادت فرزندش بمیرد ، شهید است. ، وقول بعض در این مورد این است که این زن باکره باشد . [۳] ، امام قرطبی و امام نووی قول اول را صحیح دانسته اند [٤].

10ـ کسی که در دفاع از مالش کشته شود ،شهید است .

11ـ کسی که در دفاع از خانواده اش کشته شود ، شهید است .

12ـ کسی که در دفاع از دینش کشته شود ، شهید است .

13ـ کسی که در دفاع از خونش کشته شود ، شهید است .

14ـ کسی که در دفاع از حق و حقوق مظلومانه اش کشته شود ، شهید است.

15ـ کسی که به سبب بیماری سل که باعث ورم شدید و درد در ریه می شود ، بمیرد شهید است . [٥]، [٦]

مبحث نهم: اسباب و عوامل پیروزی بر دشمنان :

به وضوح مشخص است که پیروزی بر دشمن اسبابی دارد که مسلمانان را ، بإذن اللّه ، بر دشمنانشان غالب می گرداند که از این اسباب عبارت است از :

---

[1] . به عنوان مثال شخص می تواند خودش را از غرق شدن نجات دهد ، و لی نجات نمی دهد به گمان این که به مقام شهادت برسد و در مورد دو مورد دیگر نیز هم چنین . مترجم

[2] المفهم لما أشكل من تلخيص كتاب مسلم 3/757.

[3] . زنی که با اولین حاملگی فوت کند . واللّه اعلم . مترجم

[4] كل هذه الشروح للكلمات من المفهم لما أشكل من تلخيص كتاب مسلم للقرطبى 3/756-758، وشرح النووى على صحيح مسلم 13/66-67، وانظر: فتح البارى، لابن حجر 6/43.

[5] الترغيب والترهيب للمنذرى 2/309.

[6] . حتی رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم می فرماید : " من صرع عن دابته فهو شهید " : هر کس از سواریش پرتاب شود و بمیرد شهید است . صحیح ، روایت طبرانی / 6212 . مترجم

1ـ ایمان و عمل صالح و نیک :

اللّه تعالی برای مسلمانان پیروزی آشکاری را وعده داده است ، و این با آشکار شدن دینشان و از بین رفتن دشمنانشان است اگرچه زمان به درازا انجامد ،

چرا که اللّه تعالی می فرماید : {إِنَّا لَنَنصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ ـ يَوْمَ لا يَنفَعُ الظَّالِمِينَ مَعْذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ}

«ما قطعاً پیغمبران خود را و مؤمنان را در زندگی دنیا و در آن روزی که گواهان بپا می خیزند یاری می دهیم و دستگیری می کنیم ـ آن روزی که عذرخواهی ستمگران بدیشان سودی نمی رساند ، و نفرین (و طرد از رحمت خدا) بهره آنان خواهد بود و سرای بد (دوزخ) از آن ایشان خواهد شد.» [1]

و نیز می فرماید : {حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ}

«و همواره یاری مؤمنان بر ما واجب بوده است.» [2]

اللّه سبحانه و تعالی مومنانی را که این وعدده ها را برایشان داده است ، اینگونه توصیف می کند : {إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ـ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلاَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ـ أُوْلَـئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَّهُمْ دَرَجَاتٌ عِندَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ}

«مؤمنان ، تنها کسانی هستند که هر وقت نام خدا برده شود ، دلهایشان هراسان می گردد (و در انجام نیکیها و خوبیها بیشتر می کوشند) و هنگامی که آیات او بر آنان خوانده می شود، بر ایمانشان می افزاید ، و بر پروردگار خود توکّل می کنند (و خویشتن را در پناه او می دارند و هستی خویش را بدو می سپارند) ـ آنان کسانی اند که نماز را چنان که باید می خوانند و از آنچه بدیشان عطاء کرده ایم ، (مقداری را به نیازمندان) می بخشند ـ آنان واقعاً مؤمن هستند و دارای درجات عالی ، مغفرت الهی ، و روزی پاك و فراوان ، در پیشگاه خدای خود می باشند.» [3]

---

[1] . غافر: 51، 52

[2] . الروم: 47

[3] . الأنفال: 2-4

و نیز الله تعالی می فرماید :

{وَعدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا منكُمْ وَعمِلُوا الصَّالحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُم فِى الأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ من قَبْلِهمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهمْ دِينَهُمُ الَّذِى ارْتَضَى لَهمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِى لا يُشْرِكُونَ بِى شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِك فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ}

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند ، وعده می دهد که آنان را قطعاً جایگزین (پیشینیان ، و وارث فرماندهی و حکومت ایشان) در زمین خواهد کرد (تا آن را پس از ظلم ظالمان ، در پرتو عدل و داد خود آبادان گردانند) همان گونه که پیشینیان (دادگر و مؤمن ملّتهای گذشته) را جایگزین (طاغیان و یاغیان ستمگر) قبل از خود (در ادوار و اعصار دور و دراز تاریخ) کرده است (و حکومت و قدرت را بدانان بخشیده است) . همچنین آئین (اسلام نام) ایشان را که برای آنان می پسندد ، حتماً (در زمین) پابرجا و برقرار خواهد ساخت ، و نیز خوف و هراس آنان را به امنیّت و آرامش مبدّل می سازد ، (آن چنان که بدون دغدغه و دلهره از دیگران ، تنها) مرا می پرستند و چیزی را انبازم نمی گردانند . بعد از این (وعده راستین) کسانی که کافر شوند ، آنان کاملاً بیرون شوندگان (از دائره ایمان و اسلام) بشمارند (و متمرّدان و مرتدّان حقیقی می باشند).» [١]

و نیز می فرماید : {وَلَن يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً}

«و (مادام که مؤمنان دارای ایمان راستین و کردار شایسته و بایسته باشند) هرگز خداوند کافران را بر مؤمنان چیره نخواهد ساخت.» [٢]

2ـ نصرت دین الله تعالی[٣] :

از بزرگترین اسباب نصرت و پیروزی (در جنگ) ، یاری دین الله است و قیام قولی و عملی و اعتقادی و دعوتی یرای یاری این دین است [٤]،

---

[1] . النور: 55

[2] . النساء: 141

[3] . همان سبب که نبود آن در هر جنگ اسلامی ، باعث شکست خوردن آنها از دشمنشان شده است ، همانطور که در جنگ اعراب با اسرائیل مشاهده کردیم که چند کشور عرب در عرض شش ساعت از کفار شکست فجیعانه ای خوردند . مترجم

[4] . یعنی اینکه اگر شخص برای یاری و کمك به دین الله تعالی بجنگد ، از طرف الله نصرت خواهد دید. مترجم

كه اللّه تعالى مى فرمايد : {وَلَيَنصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ, الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ}

«(آن مؤمنانى كه خدا بديشان وعده يارى و پيروزى داده است) كسانى هستند كه هرگاه در زمين ايشان را قدرت بخشيم ، نماز را برپا مى دارند و زكات را مى پردازند ، و امر به معروف ، و نهى از منكر مى نمايند ، و سرانجام همه كارها به خدا برمى گردد (و بدانها رسيدگى و درباره آنها داورى خواهد كرد ، همان گونه كه آغاز همه كارها از ناحيه خدا است).» [1]

و نيز اللّه تعالى مى فرمايد : {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ, وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعْسًا لَّهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ}

«اى مؤمنان ! اگر (دين) خدا را يارى كنيد ، خدا شما را يارى مى كند (و بر دشمنانتان پيروز مى گرداند) و گامهايتان را استوار مى دارد (و كار و بارتان را استقرار مى بخشد) ـ كافران ، مرگ بر آنان باد ، و خداوند اعمال (نيك) ايشان را باطل و بيسود گرداند !» [2]

و نيز مى فرمايد : {وَإِنَّ جُندَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ}

«و لشكر ما حتماً (بر لشكر كفار) پيروز مى شوند.» [3]

3ـ توكل كردن بر اللّه و بهره جستن از اسباب و عوامل پيروزى :

توكل كردن بر اللّه همراه با آمادگى نيرو و قوا از بزرگترين عوامل پيروزى (بر دشمن) است، به خاطر اينكه اللّه عز و جل مى فرمايد : {وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ}

«و مؤمنان بايد تنها بر خدا توكّل كنند و بس.» [4]

و نيز اللّه تعالى مى فرمايد : {إِن يَنصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِن يَخْذُلْكُمْ فَمَن ذَا الَّذِي يَنصُرُكُم مِّن بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ}

---

[1] . الحج: 40، 41

[2] . محمد: 7، 8

[3] . الصافات: 173

[4] . المائدة: 11

«اگر خداوند شما را یاری کند (همان گونه که در جنگ بدر یاری کرد) هیچ کس بر شما چیره نخواهد شد ، و اگر خوارتان گرداند (و دست از یاریتان بردارد ، همان گونه که در جنگ احد چنین شد) کیست که پس از او شما را یاری دهد ؟ و مؤمنان باید تنها بر خدا توکّل کنند و بس.» [1]

و هم چنین می فرماید : {فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ}

«و هنگامی که (پس از شور و تبادل آراء) تصمیم به انجام کاری گرفتی (قاطعانه دست به کار شو و) بر خدا توکّل کن ؛ چرا که خدا توکّل کنندگان را دوست می دارد.» [2]

و نیز می فرماید : {وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلاً}

«و به خدا توکّل کن (و کار و بار خویش را بدو تفویض نما) و کافی است که خدا وکیل و حافظ (تو) باشد.» [3]

و نیز می فر ماید : {وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَى بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا}

«و (در همه امور) بر خداوندی تکیه کن که همیشه زنده است و هرگز نمی میرد ، و حمد و ثنای او را به جای آور (و بدان تو عهده دار ایمان یا کفر مردمان نیستی و خدا همگان را می پاید) و همین کافی است که خداوند از گناهان بندگانش آگاه است (و هیچ گونه گناهی از دید او مخفی نمی ماند).» [4]

و از عمر بن الخطاب رضی اللّه عنه روایت است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم فرموده است: "لو أنكم كنتم توكلون على اللّه حق توكله لرزقكم كما يرزق الطير تغدو خماصًا وتروح بطانًا"

---

[1] . آل عمران: 160
[2] . آل عمران: 159
[3] . الأحزاب: 3
[4] . الفرقان: 58

«قطعاً اگر توكّل و اعتماد واقعی به خدا داشته باشید، خداوند روزی شما را خواهد داد؛ همانطور که پرندگان را روزی می دهد. صبحگاهان با شکم خالی لانه را ترك می کنند و شامگاهان با شکم سیر و پُر برمی گردند.»[۱]

آنچه که همراه با توکل لازم است ، بهره جستن و استفاده از اسباب و عوامل است ، چرا که توکل بر دو پایه بنا می شود که عبارتند است :

پایه ی اول : اعتماد بر الله تعالی و وعده و نصرتش .

پایه ی دوم : بهره گرفتن از اسباب مشروع و استفاده از آنها ؛ و برای همین است که الله تعالی می فرماید : {وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدْوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِن دُونِهِمْ لاَ تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنفِقُواْ مِن شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنتُمْ لاَ تُظْلَمُونَ}

«برای (مبارزه با) آنان تا آنجا که می توانید نیروی (مادی و معنوی) و (از جمله) اسبهای ورزیده آماده سازید ، تا بدان (آمادگی و ساز و برگ جنگی) دشمنِ خدا و دشمن خویش را بترسانید ، و کسان دیگری جز آنان را نیز به هراس اندازید که ایشان را نمی شناسید و خدا آنان را می شناسد . هر آنچه را در راه خدا (از جمله تجهیزات جنگی و تقویت بنیه دفاعی و نظامی اسلامی) صرف کنید ، پاداش آن به تمام و کمال به شما داده می شود و هیچ گونه ستمی نمی بینید.» [۲]

و از انس رضی الله عنه روایت است که : أن رجلاً قال: يا رسول الله أعقلها وأتوكل أو أطلقها وأتوكل؟ قال: "اعقلها وتوكل"

مردی گفت : یا رسول الله شترم را ببندم سپس توکل کنم یا باز بگذارم و توکل کنم ؟ ایشان فرمودند : «شترت را ببند سپس به الله توکل کن.»[۳]

---

[1] الترمذی، کتاب الزهد، باب فی التوکل علی الله برقم 2344، وابن ماجه کتاب الزهد، باب التوکل والیقین برقم 4164، وصـــحـحه الألبانی فی صـــحيح الترمذی 2/274.

[2] . الأنفال: 60

[3] الترمذی، کتاب صفة القیامة، باب حدیث اعقلها وتوکل برقم 2517، وحسنه الألبانی فی صحیح سنن الترمذی 2/309.

4ـ مشورت بین مسولان (فرماندهان و امیران) برای تنظیم و آمادگی مجاهدان و لشکرهای اسلامی:

رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم با آنکه فهم و درکش کامل و رایش محکم (و صاحب نظر واقعی) بود ، ولی به خاطر دستور اللّه و تزکیه ی قلوب اصحابش ، با آنان مشورت می کرد.

اللّه تعالی می فرماید : {فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللّهِ لِنتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لاَنفَضُّواْ مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللّهِ إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ}

«از پرتو رحمت الهی است که تو با آنان (که سر از خطّ فرمان کشیده بودند) نرم خویی نمودی . و اگر درشتخوی و سنگ دل بودی از پیرامون تو پراکنده می شدند . پس از آنان درگذر و برایشان طلب آمرزش نما و در کارها با آنان مشورت و رایزنی کن . و هنگامی که (پس از شور و تبادل آراء) تصمیم به انجام کاری گرفتی (قاطعانه دست به کار شو و) بر خدا توکّل کن ؛ چرا که خدا توکّل کنندگان را دوست می دارد.» [1]

و نیزاللّه تعالی می فرماید : {وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ}

«و کارشان به شیوه رایزنی و بر پایه مشورت با یکدیگر است.» [2]

5ـ پایداری و ثابت قدمی در هنگام رویارویی با دشمن :

از عوامل پیروزی و عدم شکست و فرار ، پایدار بودن در هنگام معرکه ی جنگ و رودر رویی با دشمن است ،

از رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم روایت شده است که در هر معرکه ای شرکت کرده است ، پایدار و ثابت قدم بوده است ، همانطوریکه در جنگ بدر و احد و حنین انجام داد ، در حنینی که بعضی از مسلمانان بازگشتند ، ایشان (شجاعانه) ایستاد و فرمود :

"أنا النبی لا كذب، أنا ابن عبد المطلب. اللهم نزل نصرك"

---

[1] . آل عمران: 159

[2] . الشوری: 38

«من پیامبر خدا هستم ، دروغی در کار نیست، من فرزند عبدالمطلب هستم ، بار الها نصرتت را بفرست.»[١] ،

و رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم هم به دلیل این فرموده ی رب العالمین ، اسوه و الگوی ما مسلمانان می باشد : {لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِى رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا}

«سرمشق و الگوی زیبائی در (شیوه پندار و گفتار و کردار) پیغمبر خدا برای شما است . برای کسانی که (دارای سه ویژگی باشند :) ایمان به خدا و روز قیامت داشته باشند ، و خدای را بسیار یاد کنند.» [٢] ،

و اصحاب بزرگوارش نیز بعدش اینگونه عمل کرده اند.[٣]

و از عبداللّه بن ابی اوفی رضی اللّه عنه روایت است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم فرمودند : "يا أيها الناس، لا تمنوا لقاء العدو واسألوا اللّه العافية، فإذا لقيتموهم فاصبروا واعلموا أن الجنة تحت ظلال السيوف"

«ای مردم روبرو شدن با دشمن را آرزو مکنید و از خداوند سلامتی بخواهید و هرگاه با دشمن روبرو شدید صبر کنید. و بدانید که بهشت در زیر سایه های شمشیرها است.»[٤]

6ـ شجاعت و قهرمانی و فداکاری :

از بزرگترین عوامل پیروزی دارا بودن شجاعت و فداکاری بوده و هم چنین اعتقاد به این که جهاد نه مرگ را به جلو می اندازد و نه به تاخیر ،

بلکه اللّه تعالی می فرماید : {أَيْنَمَا تَكُونُواْ يُدْرِككُّمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنتُمْ فِى بُرُوجٍ مُّشَيَّدَةٍ}

«هرکجا باشید ، مرگ شما را در می یابد ، اگرچه در برجهای محکم و استوار جایگزین باشید».[٥]

---

[١] متفق عليه: البخاري، كتاب الجهاد والسير، باب من قاد دابة غيره في الحرب برقم 2864، ومسلم، كتاب الجهاد والسير، باب غزوة حنين، 1776 عن البراء بن عازب – رضی اللّه عنه -.

[٢] . الأحزاب: 21

[٣] . اصحاب بزرگوار چنان در میدان جنگ و جهاد ، با جرئت و پایدار بودند که دو امپراطوری ابرقدرت دنیا را به خاك ذلت نشاندند . رضی اللّه عنهم اجمعین . مترجم

[٤] متفق عليه: البخاري برقم 2818، ومسلم برقم 1742، وتقدم تخريجه.

[٥] . نساء : 78

شاعر می گوید :

من لم یمت بالسیف مات بغیره   تعددت الأسباب والموت واحد

یعنی : هر کس که با شمشیر نمیرد هم به صورت دیگری می میرد ، اسباب متفاوت است ولی مرگ یکی !!!

برای این است که اهل ایمان شجاعترین مردم هستند چون که پیشوا و الگویشان محمد صلی الله علیه و سلم است ، شجاعتها و قهرمانی های رسول الله صلی الله علیه و سلم در جنگهای بزرگ مشهود بود به عنوان مثال :

أولاً: شجاعت قهرمانانه اش در جنگ بدر ، که علی بن أبی طالب رضی الله عنه می فرماید : ما رزمندگان، هرگاه تنور جنگ داغ می شد، و خون در چشمان جنگجویان می افتاد، خویشتن را در پناه رسول خدا -صلی الله علیه وسلم- قرار می دادیم، و در شرایط بحرانی، هیچکس نزدیک تر از آنحضرت به دشمن نبود! ،و در روز جنگ سخت ترین و خشن ترین مردم بود . [١].

و در روایت دیگر نیز علی رضی الله عنه مانند آن را می فرماید . [٢]

ثانیًا: در معرکه ی احد آنچنان شجاعانه جنگید که هیچ کس آنطور نجنگید ، صلی الله علیه و سلم . [٣]

ثالثًا: در جنگ حنین ، که براء رضی الله عنه می فرماید : هر زمان تنور جنگ گرم می شد ما به او خود را حفظ می کردیم. شجاعترین ما کسی بود که محاذی او باشد ، یعنی رسول الله صلی الله علیه و سلم . [٤].سوار شدن ایشان بر مرکب خویش در حنین و ... آنگونه بود که دلالت برشجاعت بسیار آن پیامبر عظیم الشان می کرد ،

به این دلیل است که علماء می فرمایند: سوار شدن رسول الله صلی الله علیه و سلم بر مرکب خویش در هنگام جنگ و وقایع ، نهایت شجاعت و پایداری ایشان را هویدا می ساخت ،

---

[1] أحمد فی المسند 1/86، والحاکم وصححه ووافقه الذهبی 2/143.

[2] الحاکم وصححه ووافقه الذهبی 2/143، وعزاه ابن کثیر فی البدایۀ والنهایۀ 3/279 إلى النسائی.

[3] انظر: زاد المعاد 3/199.

[4] مسلم، کتاب الجهاد والسیر، باب غزوۀ حنین برقم 1776.

چرا که نوع سوار شدن در هنگام جنگ میزان آمادگی و استعداد جنگی را نشان می دهد ، و هم چنین پایین آمدن ایشان نیز شجاعت و صبر و پایداری فراوانشان را معلوم می ساخت.[۱]،

آنچه که این موضوع را تقویت می کند روایت امام مسلم از سلمهٔ رضی الله عنه است که می فرماید : مررت علی رسول الله صلی الله علیه وسلم منهزمًا[۲] وهو علی بغلته الشهباء، فقال رسول الله: "لقد رأی ابن الأکوع فزعًا" فلما غشوا رسول الله صلی الله علیه وسلم نزل عن البغلهٔ،

آنگاه، رسول خدا -صلی الله علیه وسلم- مشتی خاک از زمین برگرفتند و به صورت کافران پاشیدند و گفتند: (شاهَتِ الوُجوه) رویتان سیاه باد! در آن میدان هیچ فردی نبود، جز آنکه هر دو چشمانش را از خاک های آن مشت خاک آکنده ساخت و همچنان کارشان رو به ضعف می نهاد، و ورق به زیانشان برمی گشت تا اینکه الله آنان را شکست داد و رسول الله صلی الله علیه و سلم غنیمتهای آنها را بین مسلمانان تقسیم کرد. [۳]

از روایات ثابت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم در نوزده غزوه شرکت کردند ولی در هشت غزوه جنگیدند . [٤]، و امام نووی نیز تعداد سرایایی که رسول الله صلی الله علیه و سلم آنها را فرستاده اند پنجاه و شش سریه ، و تعداد غزواتش را بیست و هفت غزوه ذکر می کند که در نه غزوه (رسول الله صلی الله علیه و سلم) جنگیده اند . [٥]

و اصحابش نیز اینگونه بودند رضی الله عنهم و اهل ایمان و علم بعدشان هم این چنین بودند ، پس شایسته است که مجاهدان هم به رسول الله صلی الله علیه و سلم اقتداء کنند ، چرا که الله تعالی می فرماید : {لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا}

«سرمشق و الگوی زیبائی در (شیوه پندار و گفتار و کردار) پیغمبر خدا برای شما است . برای کسانی که (دارای سه ویژگی باشند :) ایمان به خدا و روز قیامت داشته باشند ، و خدا را بسیار یاد کنند.» [٦]

---

[1] انظر: شرح النووی علی صحیح مسلم 12/358، وفتح الباری لابن حج 8/32.

[2] علماء می فرمایند : "منهزمًا" حالت ابن الأکوع رضی الله عنه را نشان می دهد نه حالت رسول الله صلی الله علیه وسلم، انظر: شرح النووی علی صحیح مسلم 12/364.

[3] مسلم، کتاب الجهاد والسیر، باب غزوهٔ حنین برقم 1777.

[4] مسلم، کتاب الجهاد والسیر، باب عدد غزوات النبی صلی الله علیه وسلم برقم 1814.

[5] انظر: شرح النووی علی صحیح مسلم 12/436، وانظر: البدایهٔ والنهایهٔ لابن کثیر 3/241، و5/216-217، وزاد المعاد لابن القیم 3/5.

[6] . الأحزاب: 21

و به یقین رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم شجاعترین مردم بود چراکه از از انس رضی اللّه عنه روایت شده که :

"کان النبی صلی اللّه علیه وسلم أحسن الناس، وأجود الناس، وأشجع الناس، ولقد فزع أهل المدينة ذات ليلة فانطلق الناس قِبَلَ الصوت، فاستقبلهم النبی صلی اللّه علیه وسلم وهو يقول: "لم تراعوا، لم تراعوا" وهو على فرس لأبی طلحة عُرِیٍّ ما عليه سرج.."

«رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم بهترین و بخشنده ترین و شجاعترین مردم بود ، شبی اهل مدینه در دل شب صدایی وحشتناک شنیدند. جماعتی در پی آن صدا به راه افتادند؛ در بین راه، رسول خدا -صلی اللّه علیه وسلم- را ملاقات کردند که داشتند از سمت آن صدا بازمی گشتند، و بر اسبی از آنِ ابوطلحه که عریان بود سوار بودند، و شمشیر حمایل کرده بودند، و می گفتند: (لم تراعوا، لم تراعوا)» وحشت نکنید! وحشت نکنید!»[۱]

7ـ دعاء و ذکر فراوان :

از بزرگترین و قویترین عوامل پیروزی طلب کمك از رب العالمین و یاد و ذکر اللّه سبحانه و تعالی است ؛ چراکه اللّه قدرتمند قادری است که می تواند دشمنانش را شکست داده و اولیاء و سربازان اسلام را نصرت دهد ، اللّه تعالی می فرماید : {وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِی عَنِّی فَإِنِّی قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُواْ لِی وَلْيُؤْمِنُواْ بِی لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ}

«و هنگامی که بندگانم از تو درباره من بپرسند (که من نزدیکم یا دور . بگو :) من نزدیکم و دعای دعاکننده را هنگامی که مرا بخواند ، پاسخ می گویم (و نیاز او را برآورده می سازم) . پس آنان هم دعوت مرا (با ایمان و عباداتی همچون نماز و روزه و زکات) بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا آنان راه یابند (و با نور ایمان به مقصد برسند).» [۲]

و می فرماید : {وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِی سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ}

«پروردگار شما می گوید : مرا به فریاد خوانید تا دعای شما را اجابت کنم. کسانی که از پرستش من تکبر می ورزند ، خوار و پست داخل دوزخ خواهند گشت.» [۳]

---

[1] متفق عليه: البخاری، كتاب الأدب، باب حسن الخلق والسخاء وما يكره من البخل برقم 6033، ومسلم، كتاب الفضائل، باب فی شجاعة النبی صلى اللّه عليه وسلم وتقدمه للحرب برقم 2307.

[2] . البقرة: 186

[3] . غافر: 60

و نیز اللّه تعالی می فرماید : {إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُم بِأَلْفٍ مِّنَ الْمَلآئِكَةِ مُرْدِفِينَ}

«(ای مؤمنان ! حالا که غنائم را تقسیم می کنید و بر سر نحوه آن اختلاف می ورزید ، به یاد آورید) زمانی را که (در میدان کارزار بدر از شدّت ناراحتی) از پروردگار خود درخواست کمک و یاری می نمودید و او درخواست شما را پذیرفت (و گفت :) من شما را با یک هزار فرشته کمک و یاری می دهم که این گروه هزار نفری گروههای متعدّد دیگری را پشت سر دارند.» [1] ،

یقینا اللّه سبحانه و تعالی دستور به خواندن اذکار و دعا در هنگام رویارویی با دشمن ، داده است ، که می فرماید :

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُواْ وَاذْكُرُواْ اللّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلَحُونَ}

«ای مؤمنان ! هنگامی که با گروهی (از دشمنان در میدان کارزار) روبرو شدید ، پایداری نمائید (و فرار نکنید) و بسیار خدا را یاد کنید (و قدرت و عظمت و وفای به عهد او را پیش چشم دارید و به تضرّع و زاریش بخوانید) تا (در دنیا) پیروز و (در آخرت) رستگار شوید.» [2]

اللّه تعالی چه مولا و ناصر و کمك کننده ی خوبی است که می فرماید :

{وَمَا النَّصْرُ إِلاَّ مِنْ عِندِ اللّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ}

«و پیروزی جز از جانب خداوند توانای دانا نیست.» [3]

به این خاطر است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم در غزواتش دعا و استغاثه می کرده و اللّه عز وجل نیز او را نصرت می داد و با سربازانش او را کمک می کرد ، به عنوان مثال در غزوه ی بدر هنگامی که رسول اکرم صلی اللّه علیه و سلم به لشکر کفار نگاهی انداخته و دانست که آنها هزار نفرند و مسلمانان سیصد و نه مرد جنگی ، به طرف قبله نشسته و دستان مبارکش را بلند کرده و طلب کمک از رب العالمین می کند ، هنوز دعاء و طلب کمکش به پایان نرسیده بود که از شدت دعا ردایش از شانه های مبارکش می افتد و (یار همیشگی اش) ابوبکر جلو آمده و آنرا بروی شانه های نبی اکرم صلی اللّه علیه و سلم می گذارد و در حالیکه پشت

---

[1] . الأنفال: 9

[4] . الأنفال: 45

[3] . آل عمران: 126

رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم ایستاده بود به ایشان گفت : یا رسول اللّه ، مناجاتت با اللّه کفایت می کند ، حتما و به یقین اللّه وعده ای که به شما داده است ، تحقق خواهد بخشید ، در این حال بود که اللّه سبحانه و تعالی این آیه را نازل کرد : {إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُم بِأَلْفٍ مِّنَ الْمَلَآئِكَةِ مُرْدِفِينَ}

«(ای مؤمنان ! حالا که غنائم را تقسیم می کنید و بر سر نحوه آن اختلاف می ورزید ، به یاد آورید) زمانی را که (در میدان کارزار بدر از شدّت ناراحتی) از پروردگار خود درخواست کمک و یاری می نمودید و او درخواست شما را پذیرفت (و گفت :) من شما را با یک هزار فرشته کمک و یاری می دهم که این گروه هزار نفری گروههای متعدّد دیگری را پشت سر دارند.» [1]

پس اللّه تعالی نیز ایشان را به ملائکه ی خشن جنگی نصرت داد [2].

و اینچنین رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم در همگی جنگهایش دعا می کرد ، به عنوان مثال دعای : "اللهم منزل الكتاب، سريع الحساب ، مجرى السحاب ، هازم الأحزاب ، اهزم الأحزاب، اللهم اهزمهم وزلزلهم وانصرنا عليهم"

«الهی ، ای نازل کنندهٔ کتاب و ای سریع الحساب ، جریان دهندهء ابر ، ای شکننده احزاب! بار الها! احزاب را شکست بده. خدایا! آنان را شکست بده و متزلزل بگردان.» [3]

و از انس رضی اللّه عنه روایت است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم فرمودند :

"اللهم أنت عضدى[4]، وأنت نصيرى، بك أحول[5]، وبك أصول، وبك أقاتل"

«خداوندا تو پشتیبان و یاور من هستی و بوسیله تو تدبیرهای دشمن را باطل می کنم و به وسیله تو حمله می کنم و با دشمن می جنگیم.»[6]

و از أبی بردهٔ بن عبد اللّه رضی اللّه عنه روایت است که پدرش به او فرمود : هرگاه که رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم از قومی می ترسید ، می فرمود :

"اللهم إنا نجعلك فى نحورهم ونعوذ بك من شرورهم"

---

[1] . الأنفال: 9

[2] متفق عليه: البخارى، كتاب المغازى، باب قول اللّه تعالى: {إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ} برقم 3953، ومسلم، كتاب الجهاد والسير، باب الإمداد بالملائكة برقم 1763.

[3] مسلم، كتاب الجهاد والسير، باب استحباب الدعاء بالنصر عند لقاء العدو، برقم 1742 من حديث عبد اللّه بن أبى أوفى – رضى اللّه عنهما -.

[4] أنت عضدى: يعنى كمك كارمى . سنن الترمذى برقم 3584.

[5] أحول: أى أتحرك، قيل: احتال، وقيل: أدفع وأمنع، من حال بين الشيئين إذا منع أحدهما عن الآخر. النهاية فى غريب الحديث، باب الحاء مع الواو، 1/462، وانظر: عون المعبود 7/296.

[6] أبو داود، كتاب الجهاد، باب ما يدعى عند اللقاء برقم 2632، واللفظ له، والترمذى بنحوه، كتاب الدعوات، باب فى الدعاء إذا غزا، برقم 3584، وحسنه وصححه الألبانى فى صحيح سنن أبى داود 2/499، وفى صحيح الترمذى 3/183.

«خداوندا خوف ترا در سینه شان می اندازیم و از شرشان بتو پناه می آوریم.»[۱]

ابن عباس رضی الله عنهما می فرماید : حسبنا الله و نعم الوکیل را (دو نفر از انبیاء گفته است) ، ابراهیم علیه السلام زمانی که در آتش انداخته شد ، آن را گفت و محمد صلی الله علیه و سلم نیز آن هنگام فرمود که مردم به ایشان گفتند : {إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُواْ لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ} «مردمان (قریش برای تاختن بر شما دست به دست هم داده اند و) بر ضدّ شما گرد یکدیگر فراهم آمده اند ، پس از ایشان بترسید.»[۲]

مجاهدان نیز باید اینگونه عمل کنند چرا که الله عز و جل به سبب دعاء ، بلایا را دفع می کند ، چرا که سلمان رضی الله عنه روایت کرده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند:

"لا يرُّد القضاء إلا الدعاءُ، ولا يزيدُ فى العمر إلا البرُّ"

«هیچ چیز قضا و سرنوشت را بازنمی گرداند مگر دعا ، و هیچ چیز جز نیکی و بخشش و طاعت، بر عمر نمی افزاید.»[۳]

8 ـ طاعت الله عز و جل و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم :

طاعت الله و رسولش از بزرگترین پشتیبانها و عوامل نصرت و پیروزی است ، پس نه تنها بر همگی مجاهدان فی سبیل الله ، بلکه بر تمامی مسلمانان واجب است که حتی یک لحظه هم معصیت الله نکنند ، و به آنچه که الله دستور داده ، عمل کنند و از آنچه که الله نهی کرده است ، دوری کنند ؛ برای همین الله تعالی می فرماید : {وَأَطِيعُواْ اللّهَ وَرَسُولَهُ وَلاَ تَنَازَعُواْ فَتَفْشَلُواْ وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُواْ إِنَّ اللّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ}

«و از خدا و پیغمبرش اطاعت نمائید و (در میان خود اختلاف و) کشمکش مکنید ، (که اگر کشمکش کنید) درمانده و ناتوان می شوید و شکوه و هیبت شما از میان می رود (و ترس و هراسی از شما نمی شود) . شکیبائی کنید که خدا با شکیبایان است.» [٤]

---

[1] أبو داود، كتاب الوتر، باب ما يقول الرجل إذا خاف قومًا، برقم 1537، وصححه الحاكم ووافقه الذهبى 2/142، وصححه الألبانى فى صحيح أبى داود 10/286.

[2] البخارى، كتاب التفسير، سورة آل عمران، باب قوله: {الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُواْ لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ} برقم 4563، 4564.

[3] الترمذى، كتاب القدر، باب ما جاء: لا يرد القدر إلا الدعاء، برقم 2139، وحسنه الألبانى فى صحيح سنن الترمذى، 2/225، وفى سلسلة الأحاديث الصحيحة، برقم 154.

[4] . الأنفال: 46

و نیز می فرماید : {وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ}

«و هرکس از خدا و پیغمبرش پیروی کند و از خدا بترسد و از (مخالفت فرمان) او بپرهیزد ، این چنین کسانی رستگارانند»[1]

و هم چنین الله عز و جل می فرماید : {وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَن يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَن يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلالاً مُّبِينًا}

«هیچ مرد و زن مؤمنی ، در کاری که خدا و پیغمبرش داوری کرده باشند (و آن را مقرّر نموده باشند) اختیاری از خود در آن ندارند (و اراده ایشان باید تابع حکم خدا و رسول باشد) . هر کس هم از دستور خدا و پیغمبرش سرپیچی کند ، گرفتار گمراهی کاملاً آشکاری می گردد.»[2]

و نیز الله تعالی می فرماید: {فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ}

«آنان که با فرمان او مخالفت می کنند ، باید از این بترسند که بلائی (در برابر عصیانی که می ورزند) گریبانگیرشان گردد ، یا این که عذاب دردناکی دچارشان شود (اعم از قحطی و زلزله و دیگر مصائب دنیوی ، و دوزخ و دیگر شکنجه های اخروی).»[3]

از عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند :

"بعثت بين يدي الساعة بالسيف حتى يُعبد الله وحده لا شريك له، وجُعل رزقي تحت ظل رمحي، وجُعل الذل والصغار على من خالف أمري، ومن تشبه بقوم فهو منهم"

«با شمشیر تا قبل از فرا رسیدن قیامت مبعوث شده ام تا اینکه خدای واحد لا شریك عبادت شود و روزی ام در زیر سایه نیزه ام قرار داده شده، وذلت و خواری بر کسی است که با دین من مخالفت ورزد وهر کس خود را به قومی تشبیه کند پس او از آنان است.» [4]

---

[1] . النور: 52

[2] . الأحزاب: 36

[3] . النور: 63

[4] أحمد بلفظه 92/2، والبخاري معلّقًا، كتاب الجهاد، باب ما قيل في الرماح، في ترجمة الباب قبل الحديث رقم 2914. وسمعت الإمام عبد العزيز ابن باز – رحمه الله تعالى – أثناء تقريره على البخاري الحديث رقم 2914 يقول: "إسناده حسن".

9 ـ اجتماع و هماهنگی و عدم اختلاف :

بر همگی مجاهدان واجب است که عوامل پیروزی را حتی با تمسك به اللّه و کافی دانستنش و عدم اختلاف و تفرقه ، تحقق بخشند ، چرا که اللّه تعالی می فرماید : {وَأَطِيعُواْ اللّهَ وَرَسُولَهُ وَلاَ تَنَازَعُواْ فَتَفْشَلُواْ وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُواْ إِنَّ اللّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ}

«و از خدا و پیغمبرش اطاعت نمائید و (در میان خود اختلاف و) کشمکش مکنید ، (که اگر کشمکش کنید) درمانده و ناتوان می شوید و شکوه و هیبت شما از میان می رود (و ترس و هراسی از شما نمی شود) . شکیبائی کنید که خدا با شکیبایان است.» [۱]

و نیز می فرماید : {وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللّهِ جَمِيعًا وَلاَ تَفَرَّقُواْ}

«و همگی به رشته (ناگسستنی قرآن) خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید.» [۲]

و می فرماید : {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ أَطِيعُواْ اللّهَ وَأَطِيعُواْ الرَّسُولَ وَأُوْلِي الأَمْرِ مِنكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلاً}

«ای کسانی که ایمان آورده اید ! از خدا (با پیروی از قرآن) و از پیغمبر (خدا محمّد مصطفی با تمسّك به سنّت او) اطاعت کنید ، و از کارداران و فرماندهان مسلمان خود فرمانبرداری نمائید (مادام که دادگر و حقّگرا بوده و مجری احکام شریعت اسلام باشند) و اگر در چیزی اختلاف داشتید (و در امری از امور کشمکش پیدا کردید) آن را به خدا (با عرضه به قرآن) و پیغمبر او (با رجوع به سنّت نبوی) برگردانید (تا در پرتو قرآن و سنّت ، حکم آن را بدانید . چرا که خدا قرآن را نازل ، و پیغمبر آن را بیان و روشن داشته است . باید چنین عمل کنید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید . این کار (یعنی رجوع به قرآن و سنّت) برای شما بهتر و خوش فرجام تر است.» [۳]

10 ـ دعوت به صبر و شکیبایی :

در تمامی امورات لازم است که صبر پیشه کرد حتی در جنگ با دشمنان اسلام ،

---

[1] . الأنفال: 46

[2] . آل عمران: 103

[3] . النساء: 59

صبر سه نوع است :

- صبر بر طاعت اللّه و رسولش
- صبر بر دوری از معصیت و حرام
- صبر بر پیشامدها و مصیبت های دردناک

در این مورد اللّه تعالی می فرماید : {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ اصْبِرُواْ وَصَابِرُواْ وَرَابِطُواْ وَاتَّقُواْ اللّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ}

«ای کسانی که ایمان آورده اید ! (در برابر شدائد و ناملایمات) شکیبایی ورزید و (در مقابل دشمنان) استقامت و پایداری کنید و (از مرزهای مملکت خویش) مراقبت به عمل آورید و از (خشم) خدا بپرهیزید ، تا این که رستگار شوید.» [۱]

و نیز اللّه سبحانه وتعالی می فرماید : {وَأَطِيعُواْ اللّهَ وَرَسُولَهُ وَلاَ تَنَازَعُواْ فَتَفْشَلُواْ وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُواْ إِنَّ اللّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ}

«و از خدا و پیغمبرش اطاعت نمائید و (در میان خود اختلاف و) کشمکش مکنید ، (که اگر کشمکش کنید) درمانده و ناتوان می شوید و شکوه و هیبت شما از میان می رود (و ترس و هراسی از شما نمی شود) . شکیبائی کنید که خدا با شکیبایان است.» [۲]

و رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم فرموده اند :

"واعلم أن النصر مع الصبر وأن الفرج مع الكرب، وأن مع العسر يسرا"

«و این را نیز بدان که یاری خدا همراه با صبر و شکیبایی است [اگر صبر پیشه سازی، خدا تو را یاری رساند] و همراه هر سختی، گشایشی است، و با هر دشواری، آسانی.»[۳]

و نیز اللّه عز و جل می فرماید : {وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُواْ لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَمَا ضَعُفُواْ وَمَا اسْتَكَانُواْ وَاللّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ ـ وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلاَّ أَن قَالُواْ ربَّنَا

---

[1] . آل عمران: 200

[2] . الأنفال: 46

[3] مسند أحمد 1/307، وقد تكلم على الحديث الحافظ ابن رجب في جامع العلوم والحكم 2/459 فينظر.

اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبنَا وَإِسْرَافَنَا فِی أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وانصُرْنَا عَلَی الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ـ فَآتَاهُمُ اللّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الآخِرَةِ وَاللّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ}

«و چه بسیار پیغمبرانی که مردان خدای فراوانی به همراه آنان کارزار می کرده اند و به سبب چیزی که در راه خدا بدانان می رسیده است (از قبیل : کشته شدن برخی از یاران و مجروح شدن خود و دوستان) سست و ضعیف نمی شده اند و زبونی نشان نمی داده اند (و بلکه شکیبائی می کرده اند) و خداوند شکیبایان را دوست می دارد ـ و (این عمل ایشان به هنگام سختی بود ، و در این وقت) گفتارشان جز این نبود که می گفتند : پروردگارا ! گناهانمان را ببخشای و از زیاده رویها و تندروی هایمان صرف نظر فرمای و گامهایمان را ثابت و استوار بدار و ما را بر گروه کافران پیروز بگردان ـ پس خداوند پاداش این جهان را (با پیروز کردنشان بر دشمنان ، و فراچنگ آوردن غنیمت و کرامت و عزّت) بدیشان داد ، و پاداش نیکوی آخرت را (برای آنان تضمین کرد) و خداوند نیکوکاران را دوست می دارد.»[1]

11ـ اخلاص برای اللّه سبحانه و تعالی :

مبارز و جنگجو،مجاهد فی سبیل اللّه نمی شود الا با اخلاص ، چرا که رب العالمین می فرماید:

{وَلاَ تَكُونُواْ كَالَّذِينَ خَرَجُواْ من دِيَارِهِم بَطَرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ}

«و مانند کسانی (از قریشیان) نباشید که بسیار مغرورانه و خودستایانه و برای خودنمائی کردن در برابر مردم (از شهر مکّه به سوی میدان بدر) بیرون آمدند.»[2]

و نیز می فرماید : {وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ}

«کسانی که برای (رضایت) ما به تلاش ایستند و در راه (پیروزی دین) ما جهاد کنند ، آنان را در راههای منتهی به خود رهنمود (و مشمول حمایت و هدایت خویش) می گردانیم ، و قطعاً خدا با نیکوکاران است (و کسانی که خدا در صف ایشان باشد پیروز و بهروزند).»[3]

---

[1] . آل عمران: 146- 148

[2] . الأنفال: 47

[3] . العنكبوت: 69

مردی نزد رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم آمد و گفت : یا رسول اللّه! الرجل یقاتل للمغنم، والرجل یقاتل للذکر[1] والرجل یقاتل لیُری مکانه، فمن فی سبیل اللّه؟ قال صلی اللّه علیه وسلم: "من قاتل لتکون کلمۀ اللّه هی العلیا فهو فی سبیل اللّه"

یا رسول اللّه مردی برای غنیمت می جنگد و مردی برای آوازه و شهرت و مردی برای آن می جنگد که منزلتش از نظر جنگی دیده شود ، کدامیك در راه اللّه می جنگد ؟

رسول اللّه صلی اللّه علیه وسلم فرمود : «آنکه بجنگد تا کلمۀ اللّه (کلمهء توحید) برتر شود،پس او در راه خدا است.»[2]

و نیز از رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم ثابت است که ایشان اولین کسانی را که در قیامت مورد حساب و کتاب قرار می گیرند را ذکر کرده و در بین آنها کسی را که جهاد کرده و کشته شده است تا در موردش گفته شود فلانی با جرئت است [3] ، را نیز ذکر کرد. [4]

12 ـ شوق و اشتیاق برای رسیدن به آنچه که نزد اللّه می باشد :

از عواملی که پیروزی بر دشمن را تحقق می بخشد ، اشتیاق به فضل و خوشبختی دنیا و آخرت است ، برای همین است که اللّه تعالی نبی اکرم صلی اللّه علیه و سلم و اصحاب بزرگوارش را نصرت می داد و از دلایلی که بر اشتیاق داشتن رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم و اصحابش به آنچه که نزد اللّه است ، می کند ، می توان دلایل زیر را ذکر کرد :

اول : کاری که عمیر بن الحمام رضی اللّه عنه در جنگ بدر انجام داد هنگامی که رسول اللّه علیه الصلاۀ والسلام فرمود : "قوموا إلی جنۀ عرضها السماوات والأرض" فقال یا رسول اللّه، جنۀ عرضها السماوات والأرض؟ قال: "نعم" قال: بخٍ بخٍ[5]، فقال صلی اللّه علیه وسلم : "ما یحملك علی قولك بخ بخ"؟ قال: لا واللّه یا رسول اللّه، إلا رجاء أن أکون من أهلها. قال: "فإنك من أهلها". فأخرج تمرات من قرنه فجعل یأکل منهن ثم قال: لئن أنا حییت حتی آکل تمراتی هذه إنها لحیاۀ طویلۀ فرمی بما کان معه من التمر ثم قاتلهم حتی قتل

---

[1] یقاتل للذکر: أی لیذکر بین الناس ویشتهر بالشجاعۀ.

[2] متفق علیه: البخاری برقم 2810، ومسلم برقم 1904، وتقدم تخریجه.

[3] . این شخص برای ریاکاری جهاد کرده بود تا در موردش گفته شود که فلانی با جرئت است .

[4] مسلم، کتاب الإمارۀ، باب من قاتل للریاء والسمعۀ استحق النار، برقم 1905.

[5] کلمه ای که برای بزرگی کار و تفخیم و بزرگداشت و با ارزش نشان دادن آن کار در خبر ، می باشد .

«برخیزید بسوی بهشتی که پهنایی آن به پهنایی آسمان و زمین است.»

گفت : یا رسول اللّه صلی اللّه علیه وسلم بهشتی که پهنای آن به اندازهء آسمان و زمین است؟

فرمود : «بلی!»

وی گفت : به به.

رسول اللّه صلی اللّه علیه وسلم فرمود : چه چیز سبب شد که به به بگوئی؟

گفت : «نه ، سوگند به خدا یا رسول اللّه صلی اللّه علیه وسلم (این کار را) فقط (به خاطر) اینکه از اهل آن باشم (انجام دادم).»

فرمود : «همانا تو از اهل آن می باشی. پس چند دانهء خرما را از تیر دانش بیرون کرده و شروع به خوردن آن نموده و گفت : اگر من زنده بمانم تا این چند دانه خرما را بخورم آن زندگی طولانی خواهد بود.»

و بعد از آن خرماهائی را که با او بود، انداخته و با آنها جنگید تا کشته شد . [۱]

دوم : کاری که أنس بن النضر (عموی أنس بن مالك) رضی اللّه عنهما ، در روز احد انجام داد . او از جهاد بدر عقب مانده بود و با خود می گفت : از اولین جنگی که رسول اللّه در آن شرکت کرده است عقب مانده ام و اگر اللّه تعالی جهاد دیگری برایم همراه با رسول اللّه قسمت کند ، نشان خواهم داد که من در آن جنگ چگونه عمل می کنم ، پس از قضای الهی شرکت در جنگ بدر نصیبش شد ، سعد بن معاذ رضی اللّه عنه هنگامی که او را دید انس رضی اللّه عنه به او گفت: ای اباعمرو گوارا باد بوی بهشت ، که آنرا از طرف احد احساس می کنم ، پس با کفار جنگید و جنگید تا شهید شد ، (آنقدر جنگید) که روی جسدش جای هشتاد و چند ضربه ی نیزه و تیر و شمشیر بود که هیچ کس او را (از شدت جراحتش) نشناخت ، مگر خواهرش (ربیع بنت النضر) ، که او را از انگشتانش شناخت !!! ؛ و گفته می شود که ای آیه در مورد جانفشانی های او و دوستانش نازل گردید که اللّه تعالی می فرماید : {مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُم مَّن قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُم مَّن يَنتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلاً}

«در میان مؤمنان مردانی هستند که با خدا راست بوده اند در پیمانی که با او بسته اند . برخی پیمان خود را بسر برده اند (و شربت شهادت سرکشیده اند) و برخی نیز در انتظارند (تا

---

[۱] مسلم، کتاب الإمارة، باب ثبوت الجنة للشهید برقم 1901.

کی توفیق رفیق می گردد و جان را به جان آفرین تسلیم خواهند کرد). آنان هیچ گونه تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود نداده اند (و کمترین انحراف و تزلزلی در کار خود پیدا نکرده اند).»[1]، [(2)]

مسلمان مجاهد هنگامی که اشتیاق به فضل و رحمت نزد اللّه دارد از آنچه که برای او اتفاق می افتد، هراسی ندارد، شاعر می گوید :

فلست أبالی حین أقتل مسلمًا   علی أی جنب كان فی اللّه مصرعی

یعنی : باکی ندارم هنگامیکه مسلمان کشته می شوم که در کدام پهلو مرگم در راه خدا صورت گیرد، زیرا اینکار به خدا مربوط می شود و اگر بخواهد بر اعضای جسد پاره پاره برکت می نهد.

13ـ منصوب کردن اهل ایمان به منصب فرماندهی :

یکی از اسباب پیروزی بر دشمن فرماندهی لشگر و سرایا و گروه های جهادی و جبهه های مختلف است که باید بر عهده ی کسانی باشد که به ایمان کامل و عمل صالح شناخته می شوند و به این منوال فرماندهی پیش برده شود، چرا که اللّه عز و جل می فرماید :

{إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ}

«بی گمان گرامی ترین شما در نزد خدا متقی ترین شما است . خداوند مسلّماً آگاه و باخبر (از پندار و کردار و گفتار شما، و از حال همه کس و همه چیز) است.» [3]

و اللّه نیز اهل تقوا رادوست دارد و این محبت اللّه برای اهل تقوا یکی از بزرگترین و قویترین عوامل پیروزی بر دشمن است که رب العالمین می فرماید : {بَلَى مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ وَاتَّقَى فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ}

«آری ! کسی که به عهد و پیمان خود وفا کند و پرهیزگاری پیشه نماید (محبّت و رضایت خدا را فراچنگ آورده است) زیرا خداوند پرهیزگاران را دوست می دارد.» [4]

---

[1] . الأحزاب: 23

[(2)] متفق علیه: البخاری، کتاب المغازی، باب غزوة أحد برقم 4048، ومسلم واللفظ له، کتاب الإمارة، باب ثبوت الجنة للشهيد برقم 1903.

[3] . الحجرات: 13

[4] . آل عمران: 76

14- پناه بردن به پناهگاه هایی که انسان را از هلاکت و عذاب های ناگهانی نجات می دهند!!:

مردم پناهگاهها و سنگر هایی دارند که آنها را از نابودی ها و شکستهای وارده نجات می دهد ، این پناهگاهها جزو بزرگترین راه چاره های نجات از این مشکلات و جنگها می باشد که همانند یک سپر از انسان ، قبل از نزول عذاب الهی ، دفاع می کند ، که عبارتند از :

أول: توبه و استغفار از تمامی گناهان ، چه کبیره و چه صغیره ، و توبه نیز تنها با این شروط قابل قبول است :

1 ـ دوری از تمامی گناهان و ترک انها .

2 ـ تصمیم بر عدم بازگشت به گناه .

3 ـ پشیمانی از آن عملی که انجام داده است .

اگر گناه انجام شده در حق کسی باشد در این موقع شرط چهارمی هم وجود دارد که این است :

4 ـ جبران آن گناه و طلب حلالیت از آن شخص .

توبه نیز در هنگام فوت کردن و قبضه روح شدن و در هنگام طلوع خورشید از مغرب (هیچ نفعی به شخص توبه کنند نرسانده و) قابل قبول نمی باشد ، و هیچ شکی در این نیست که توبه و استغفار از اسباب و عوامل پیروزی است چرا که اللّه سبحانه و تعالی می فرماید : {إِنَّ اللَّه لا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلاَ مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُم مِّن دُونِهِ مِن وَالٍ}

«انسان دارای فرشتگانی است که به (نوبت عوض می شوند و) پیاپی از روبرو و از پشت سر (و از همه جوانب دیگر ، او را می پایند و) به فرمان خدا از او مراقبت می نمایند . خداوند حال و وضع هیچ قوم و ملّتی را تغییر نمی دهد (و ایشان را از بدبختی به خوشبختی ، از نادانی به دانائی ، از ذلّت به عزّت ، از نوکری به سروری ، و . . . و بالعکس نمی کشاند) مگر این که آنان احوال خود را تغییر دهند ، و (این سنّت جاری در اسباب و مسبّبات ظاهری است ، ولی)

هنگامی که خدا بخواهد بلائی به قومی برساند هیچ کس و هیچ چیزی نمی تواند آن را (از ایشان) برگرداند ، و هیچ کس غیر خدا نمی تواند یاور و مددکار آنان شود.» [1]

و همچنین می فرماید : {وَمَا كَانَ اللّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ}

«خداوند تا تو در میان آنان هستی ایشان را عذاب نمی کند (به گونه ای که آنان را ریشه کن و نابود سازد . چرا که تو رَحْمَةًلِلْعالَمين بوده و آنان را به سوی حق فرا می خوانی و امیدواری که آئین اسلام را بپذیرند و راه رستگاری در پیش گیرند) ، و همچنین خداوند ایشان را عذاب نمی دهد در حالی که (برخی از) آنان طلب بخشش و آمرزش می نمایند (و از کرده خود پشیمانند و از اعمال ناشایست خویش توبه می کنند).» [2]

دوم: تقوا ، (تقوا) یعنی اینکه مابین خود و آنچه در مورد آن از غضب و عقاب و عذاب رب العالمین می ترسد ، مانعی قرار دهد که آن امورات را انجام ندهد ؛

این گفته همانند گفته ی طلق بن حبیب رحمه الله در مورد تقوا می باشد که فرمود :

«تقوا این است که کاری را با نوری از طرف الله برای طاعت الله به امید ثوابش انجام دهی و این که با نوری از طرف الله به خاطر ترس از عذاب الله از معصیت الله دوری کنی.» [3]

سوم: انجام دادن همگی واجبات و زینت دادن آنها با انجام نوافل و مستحبات ، به خاطر اینکه با انجام این کار محبت الله بدست می آید و هر گاه که الله بنده ای را دوست داشته باشد او را پیروز و موفق و ثابت قدم می کند و یاریش می کند ،

به دلیل اینکه ابوهریره رضی الله عنه از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم روایت می کند که ایشان فرمودند : الله تعالی می فرماید :"من عادى لى وليًّا فقد آذنته بالحرب، وما تقرب إلىَّ عبدى بشىء أحب إلىَّ مما افترضته عليه، وما يزال عبدى يتقرب إلىَّ بالنوافل حتى أحبه، فإذا أحببته كنت سمعه الذى يسمع به، وبصره الذى يبصر به، ويده التى يبطش بها، ورجله التى

---

[1] . الرعد : 11

[2] . أنفال : 33

[3] جامع العلوم والحكم لابن رجب 400/1.

يمشي بها، وإن سألني لأعطينه، ولئن استعاذني لأعيذنه، وما ترددت في شيء أنا فاعله ترددي عن نفس المؤمن يكره الموت وأنا أكره مساءته"

«هرکس، با دوستان من دشمنی کند، من با او اعلام جنگ می نمایم. و بنده ام با هیچ چیز محبوبی نزد من به اندازه ی انجام آنچه که بر او فرض قرار داده ام، به من نزدیک نمی شود. و همچنان با انجام نوافل به من تقرب می جوید تا اینکه محبوب من قرار می گیرد. پس هنگامی که مورد محبت ام قرار گرفت، من گوش، چشم، دست و پایش می شوم که بوسیله ی آنها می شنود و می بیند و می گیرد و راه می رود. و اگر از من طلب کند، به او عطا می کنم و اگر پناه بخواهد، او را پناه می دهم. و در هر کاری که می خواهم انجام دهم، به اندازه ی قبض روح مؤمنی که مرگ را نمی پسندد و من هم آزارش را نمی پسندم، مترددم نمی شوم.»[۱]

چهارم : امر به معروف و نهی از منکر ؛

به دلیل اینکه حذیفهٔ رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و سلم روایت می کند که ایشان فرمودند : "والذي نفسي بيده لتأمرن بالمعروف، ولتنهون عن المنكر، أو ليوشكن الله أن يبعث عليكم عقابًا من عنده، ثم تدعونه فلا يستجيب لكم"

«سوگند بذاتی که نفسم در حیطهء قدرت اوست، همانا به کارهای پسندیده امر نموده و از کارهای ناپسندیده منع می کنید. یا نزديك است که خداوند بر شما عذابی از نزد خویش بفرستد و سپس او را بخوانید و او دعای شما را اجابت نکند.»[۲]

و همچنین الله عز و جل می فرماید : {فَلَمَّا نَسُواْ مَا ذُكِّرُواْ بِهِ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُواْ بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُواْ يَفْسُقُونَ}

«امّا هنگامی که پندها و اندرزهائی را نشنیدند که بدانها تذکّر داده شدند ، کسانی را که (دیگران را نصیحت می نمودند و آنان را) از بدی نهی می کردند از (عذاب به دور داشتیم و از بلا) رهانیدیم ، و کسانی را که (مخالفت فرمان می کردند و بیشتر و بیشتر گناه می ورزیدند

[1] البخاری، کتاب الرقاق باب التواضع برقم 6502.

[2] الترمذی، کتاب الفتن، باب ما جاء فی الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر برقم 2169، وحسنه الألبانی فی صحیح سنن الترمذی 2/223، و صحیح الجامع 6/99.

و بدین وسیله بر خود و جامعه) ستم می نمودند ، به خاطر استمرار بر معاصی و نافرمانی ، به عذاب سختی گرفتار ساختیم.» [1]

پنجم : اقتداء به رسول الله صلی الله علیه و سلم در جمیع آداب و عقاید.

ششم : دعاء و تضرع به طرف الله تعالی . [(2)]

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على نبينا محمد وعلى آله وأصحابه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.

نوشته ی / سعید بن وهف القحطانی

«اللهم اجعلها خالصهٔ لوجهك و اجعلنا خادما للمجاهدین و اغفر لنا خطایانا و اسرافنا فی امرنا.»

حاطب علی انصاری

---

[1] . الأعراف: 165

[(2)] وتقدم في السبب السابع من أسباب النصر.